

راستی اگر چنین نکنند که اتحاد بین ملت و دولت پیدا می شود ، اتحاد پیدا شدن همان نقشه های پلینکی هم خوردن همان ، مگر سر شان درد نمیکنند که گذارند يك ژاپونی دیگر در وسط آسیا پیدا شود ، مگر وقفات امروزه هند و دو ساله قفقاز کم است که ایران هم ترقی کرده و آنها سایه افکند ، راستی اگر چنین شود ملوک طوائف بطور در ایران ظهور خواهد نمود ، اگر ملوک طوائف قائم نشود انقلابات چگونه بالا خواهد گرفت ، و هرگاه انقلابات عظیم بشود نقشه را که دو دولت دو سال زحمتش را کشیده اند بطور موقع اجری گذارده خواهد شد ، اینها که موقع صحیح دست میدهند و ابواب بهای حوثی را از هر طرف عتلا می آید ،

منصوب اینست اگر وجهی بخترانه شاه رسیده از دود ، بوده ، استعجاب وانکار از هر يك دیده و شنیده شود محل عارفان یا مساجد پلینکا به ناید است ، چرا که باران در ایران قائم شد مگر بواسطه امضا گرفتن از ملت استعرض جدیدی از دولتین روس وانگلیس ، و نیز برهم نخورد مگر بواسطه عدم امضای وکلا باین استعرض ، مجدد هم که افتتاح شود بواسطه همین امر خواهد بود ، و گر باز هم وکلای جدید امضا بدهند دوباره نیز برهم خواهند زد ، و سه باره انتخاب خواهند کرد ، این است که احتشام السلطنه در جواب از سوال یکی از حراند بران از حالا میگوید که جاره ابراف منحصر بیک استعرض و سپردن مالیه ایران بساسوران خارج است حای شبهت که دولتیان در گرفتن عرض راضی و دولتین هم در ادای وجه موجود اند درین میانه ملت رضا میدهد این است که از هر طرف ملت را بخاک میکشند ، و ابواب جاره را بروی آنها می بندند ، بلکه راضی شوند ،

و این شرط استعرض هم بقول حساب احتشام السامه تعیین معین خارج بر مالیه ایران خواهد بود نتیجه آنهم همان تعیین مفتش مالیه است که برمسر و غیره مقرر شده ، بباره عام فهم فتح مملکت بدون جنگ و حساب نفع بدون زحمت ، هر کس از واقعات تاریخی خبر داشته باشد میداند ما چه می نویسیم ، و نتیجه مفتش خارجی رمالیه يك دولت معینش چیست

نه دیگر را عقیده بن است که آلمان از وقتی که فرانس را فتح نمود حیلات عالم گیری با یلیون را از برانس مره برد ، ممدوح بن طلسم را اتحاد با عثمانی دید ، و سالها درین زمینه کار کرد تا منصور مائل آمد ، پس از آنکه متباز راه آهن بغداد و شعب رحمة نارا که مقدمه همان خیل عالم گیری است حاصل کرد ، دست که بدون محرجه در خلیج فارس و وسط آسیا ره بهوده پیوند است ، ناچار متوسل با اتحاد ایران

شده و مدتها درین نقشه کار کرد ، در زمان امین السالطان بواسطه عبودیتیکه سبب بروس داشت بیسازش ریشه نه نمود ، تا اینکه احتشام السلطنه که یکی از رجال دانا و صاحب نفوذ ایران است سفیر برلن شده و پس از چندی امین السلطان هم از میان برخاست ، بقوت همراهی سفیر تازه ابراف عین الدوله صدراعظم را بزور پول مائل باین اتحاد نموده مدرسه آلمانی که در طهران افتتاح گردید اول میخ پلینکی بود که آلمان در ایران کوفت ، سپس زمره افتتاح بنک کرد ، و مبلنشی در این راه هم مایه گذارد تا وقتی که بین الدوله قبولانید ، درین صکیر و دار عین الدوله هم معزول و احتشام السلطنه نیز مأمور به تصفیه کبیسون سرحدی شد ، و مجلس بروی کار آمد ، این بود که آلمانها با تمامی امتیاز بنک خود را در مجلس تمام نمودند ، و برای توسیع مدرسه خود در طهران به همراهی احتشام السلطنه اطاقه هنگفتی سالانه از دولت ایران حاصل کردند ، و قالب این امور به تدبیر و همراهی احتشام السلطنه برای آلمان صورت گرفت ، گویا مسلک پلینک و عنیده سیاسی احتشام السلطنه این باشد که بین روس وانگلیس پس از چند قرر آن رقابتی که وزرای ما اسیاب حیات ایران بنداشته بودند برخاسته ، هرگاه ایران يك دولت نائی را جلو آنها نگذارد در هر صورت در فشار خواهند ماند ، و امروز دولتی که تقیض و ددان شکن آنها باشد جز آلمان نیست ، این حزب که جماعتی در ایران هستند گویا تا وقتی که ایران بتواند بروی پای خود بایستد به حیات رقابتی او قائل اند ، اینها را عقیده این است که پلینک و منافع آلمان امروزه در سازش مادی اسلامیه است ، و آلمان در برده پلینک خوبشتن را حامی مسلمانان حلوه داده است ، چنانچه عثمانی را در حایه اتحاد و دوستی خود یا معاشرت جمیع دول قائم داشته ، و نفسی مقتدر ساخت که امروزه دواقی مانند روس از جنگ او چشم میزند ، و هر کس را به تدابیر پلینکی و حمایتی مخفی از معده فرانس بیرون کشید ، باین ملاحظات اگر ایرانهم با آلمان متحد شود ، و برخی امتیازات و حقوق تجارقی باو دهد ، در سایه حایه او میتواند خود را امروزه از فشار دولتین روس وانگلیس محفوظ دارد ، این جزوا دلیل این است که اگر چه اروپائیان هم در يك مدوسه درس خواهند ، و در مسلک پلینک نعل نامل با می گذارند و از پلینک آلمانهم میتوان همراهی این ماده ، ولی فرق این است که دولتین روس وانگلیس امروزه بواسطه قوت نفوذ و اقتداریکه فرنیاست در ایران حاصل نموده حالا در محو و اضمحلال ما قادر اند ، و آلمان تا وقتی که این قوت و اقتدار را حاصل کند که بتواند اقدامات مضمحلان در حق ایران به نماید بی سال طول دارد ، و ممکن است اگر ایرانیان اقدام صحیح نمایند

بتواند تا سی سال دیگر از موضوع رقابت خود را خارج نموده برای خویش بایستند، حالا این حرف تا کجا صحیح باشد سقیم است ما کار نداریم مقصود ذکر عقاید است نه بیان واقع

ظاهر است که پیش رفت مقاصد آلمان جز در سایه اقدامات عثمانی صورت نمی‌یست این بود که مناقشه سرحدی آغاز، و بالغ بر سه سال است این مسئله در پیش، و همه روزه کسب اهمیت می‌نماید، لطف این است که سه کیسیون تا حال قائم شده و هیچ کاری از پیش نرفته، و یکقدم از جانب دولت ایرانم جلوگیری از حرکات عثمانی نشده، این است که دانایان رموز واقعه سرحدی را خود آورده میگویند، زیرا که هر وقت دولتین خواسته شدید شده، و هر زمان مائل نبوده لطیف گردیده است، دولتین روس و انگلیس بی خیالات آلمان و حرکات عثمانی در سرحد ایران برده، از یکطرف مشروطیت ایران قائم، و از طرف دیگر عقد اتحاد بین انگلیس و روس در ماده ایران بسته آمد، با اندازه این مسئله در عوالم پلتیک اهمیت حاصل نمود که نزدیک بود بین روس و عثمانی بجنگ منجر شود، و تمام مناقشات روس و عثمانی درین اواخر مبنی بر معاملات سرحدی ایران بود و سایر اخبارات و اظهارات سیاستون طرفین جهان بوده است، و تمام باشارات آلمان عثمانی حرکت می‌نمود، و اینکه بی در پی سفرای روس و انگلیس عثمانی را از زیادتى بسرحدات ایران بروتست میکردند، حق در مجبوحه بناوت شاه و انقلابات ایران نمایندگانان سخت ایستاده و در معاملات سرحدی ایران بروتست کردند مبنی بر همین نکته بوده است، که درین موقع، پادشاه آلمان و رضای شاه قشون عثمانی تجاوز با ذریعگان نماید عثمانی هم که جوابهای مافوقی بدولتین میدهد، به پشت گرمی آلمان و اطمینان اتحاد منوی با شاه است، چه این امر به تحقیق پیوسته که حزب آلمانیین شاه را هم طرفدار پلتیک آلمان و با خیالات عثمانی همراه ساخته اند

پس از این بیان مختصر که کتابی را در خور است بیا ایم بر حالات کنونی ایران، به پیم آلمان مخالف با مشروطه ایران است؟ یا موافق، از پیش آمد در سالفه شورای ایران ظاهر گردید که با مشروطیت آلمان نمیتواند هیچگونه امتیازی در ایران حاصل کند تا در آتیه بتواند بمقاصد پلتیکی خویش مائل گردد، ولی چون شاه را بطرف خود مائل کرده امید آن را دارد که اگر مشروطه ایران برهم خورده با حزب حامیان خویش نتواند بعضی امتیازات از شخص شاه حاصل نماید، باین خیال اگر آلمان ترقی ایران را هم در سایه حمایت خود خواستگار باشد، امروز با مشروطیت آن موافق نیست، چه در مشروطیت مشکل است بعضی که

دلخواه اوست راهی در همراهی ایران بدست آورد در اینجا اندکی ذکر قرائن لازم است تا این عقیده را قوت دهد

احتشام الساطه سفیر برلن که میتوان رئیس حزب آلمانیین ایران را خواند بدون اینکه سفارت برلن را ترک گوید از طرف دولت ایران رئیس کیسیون سرحد بندی شد، بالغ بر یکسال ریاست کیسیون باقی بود، چون معروف بدانانی و شاه دوستی و وطن پرستی بود، و درین مأموریت طولانی خود هیچکاری را از پیش نبرد جماعتی که از مسلک او واقف بودند همان ایام عقیدهشان این شد که مائل بانجام و فیصله امر نبوده، درین بین وارد طهران شد، نظر بحسن عقیده که حزب مشروطیین در حق او از قدیم داشتند در اغیاب وی او را بمضویت شورا منتخب نموده و پس از ورود بطهران بمجلس آورده رئیسش قرار دادند، با این عهده نیز برخلاف قانون سفارت برلن را از دست نداد، و بلاشک در ریاست خود خوب خدمت نمود، و بدو اهم مشروطیین خیلی از او راضی بودند، اواخر که وکلای مجلس را دو یارتی مقرر ملت در حق او سوء ظن پیدا نمود با اندازه درین اواخر مشروطیین به مخالفت وی برخاستند که ناچار ترك عضویت مجلس را گفته با کمال ناراضی از مجلس بلا درنگ راه برلن را پیش گرفت، ما کار باین نداریم که قصور مشروطیین بود یا تقصیر از او، ولی بلا حرف جنانجه در خور یک نفر مرد پادشاه است شاه دوست بود، و خدمتایشم که بمجلس کرد نتیجه اطمینان شاه بر او بود، و ازین که در کمال ناراضی ازین مجلس از ایران بگریزیم طرز برلن شد هیچ جای شبه نیست، باین مناسبات بعضی چنان بنداشته اند که شاه در حین حرکت احتشام مقداری جواهرات خزینه را برای فروش یا رهن شخصی در برلن و تهیه و تدارک اسلحه و قورخانه داد، و چیزی که این عقیده را قوت میدهد این است که پس از حرکت احتشام السلطنه دیری نگذشت کمتر از صد صندوق تفنگ و قورخانه وارد ایران شد، و یک ماه قبل از بلوا سه هزار صندوق قورخانه و هفتصد صندوق تفنگ وارد اترلی گردید، و چنین میداند که این اقدامات بدون اطلاع وزیر جنگ بوده، و مجلس تا ورود سرحد ایران مطلع نبود، و ایشان را از طرف احتشام السلطنه می‌پندارند، و گویا وجهی هم از برلن به توسط احتشام السلطنه از رهن یا فروش جواهرات شاه رسیده باشد، درین که احتشام السلطنه طرفدار شاه و خواهان پلتیک آلمان است شبه نمیتوان نمود، و درینهم که ازین مجلس (نه از مشروطه) متفرق شده بود شك نمیتوان کرد، حالا واسطه اخبارات امپراطور آلمان و شاه هم او بوده، و دستور العمل هم در انهدام مجلس بشاه او داده است نمیتوان تصدیق یا

تکذیب نمود. ولی بدون حرف آلمان در برهم زدن مشروطه ایران بی‌میل نبوده، چنانچه سفارت آلمان در طهران بناهنگان مشروطین را نه پذیرفت، و حراست آلمان هم که کمتر طرفداری از شاه مینمایند، و سازش ادورد هفتم و امپراطور روس را حلوه میدهند میتواند از روی پلنیک باشد، چرا که از طرف دیگر نوع سربسته می نویسد که آلمان طرف دار استقلال سلطنت های اسلامی است، میگویند سلوکیکه شاه با سفارت خانه انگلیس نمود به پشت گرمی آلمان بود، و دستور العمل محرمانه از بران می یافت، بسیاری از کارروائیهاییکه بعد از وقعه شده از قبیل سد اخبارات و سانسور بر تلگرافات و قطع اخبارات بلاد یکدیگر نام بعقیده جمی از روی دستورالعملهای بران بوده است، چیزیکه این مسئله را خیلی قوت میدهد این است که ما، و برین عثمانی بجه مناسبت حجج اسلامیة عراق عرب را از اخبارات مکتوبی و انگرانی در معاملات کنونی ایران باز داشته اند اگر این طبر مترون صدق باشد بلا حرف آلمان و عثمانی در تخریب مجلس شورای ایران همدست بوده اند

باجمله - اینها که ذکر کردیم تمام عقاید دیگران بود، ما عقیده خود مان اعم بر اینکه بحاطا باشیم یا بصواب شخصاً احتشام السلطنه را سردی دانشمند و مشروطه خواه میدانیم، و معترف خدمات او در ایام ریاستش بمجلس بوده و هستیم، حالا با پلنیک آلمان موافق است یا مخالف، این پلنیک مضر بحال ایران است یا نافع کارنداریم، فقط متصود ما ذکر عقیده خویش است در مسائله رسیدن وجه بجزینه ایران، ما چنان می بینیم که وجه از هیچ جائزینة ایران وارد نشده، و همان قسم که جزینة خالی بوده امروزه خالی است، و تا سگراف مخصوص اداره هم که ۲۶ ج ۲ از یاد کوبه رسیده و از مرکز بسیار موثقی است تا درجه این عقیده را تصدیق می نماید.

شاه از زمان وایمهدی خود بواسطه قبض بدی که داشت مباحثی وجه جمع داشت، و درین یک ویم سال سلطنت هم آنچه توانست جمع نمود، و تمام را در بنک روس نهاده بود، و مباحثی هم از زمان ناصر الملک در وزارت مالیه ذخیره بود که پس از این انقلاب تمام بدست شاه افتاد، و از بعد انقلاب هم روز مره آنچه از گمرکات وصول شده تنگرقاً بشاه رسیده، علاوه بر این اعتبار شخصی و رهنی هم برای شاه در بنک روس موجود بود، روی هم رفته اینها برای این مصارف حزقی کافی شناخته می شود.

پول چیزی نیست که هیچ دولتی برایگان از دست دهد، درست است که در راه پیشرفت پلنیک فرنگان پول خیلی خرج میکنند، ولی آن قدر یا مانند پول طاشقی

امروزه به پادشاه ایران میتواند با دولت دیگر معاهده عذبه به بندد، و نه يك دينار بحیثیت سلطنت قرض نماید، چه ایران به تصدیق جمیع دول مشروطه است، و شاه هم علاوه بر اعلانات رسمی اولیه بموجب اعلان الحیره که داده و قولهاییکه حضوری که در وقعه تویخانه بسفرائی دول داد و جوابیکه سفرا بمجلس از قول شاه نوشته اند او را مجبور نموده است ~~که~~ بعد از وقعه ۲۳ ج ۱ باز هم رسماً بمجمیع دول دولت ایران را مشروطه بشناساند، و خوبترن را پادشاه مشروطه بقلم دهد، ازین رو در انفصال مجلس کابینه وزرا را حق آن نیست ~~که~~ هیچ امر جدیدی را بموجب خواهش شاه امضا نمایند چه مسئله انفصال پارلمان غیر از تعطیل سنوای آن است، خصوصاً این انفصال که بدون حق انفصال در دوره اولیه شده و جنگ رسمی بین ملت و دولت است، شاه منکر و معترف بمشروطیت سلطنت میباشد ملت مدعی به نقض عهد دوی و از حقوق سلطنتی او را خارج ینداشته و عموم ملت او را حلع دانسته، و به نظر غاصبیت باو بینگردد، درین صور معروضه هیچ دولت مفت بازی می آید بامضای چنین شاهی به ایران قرض دهد، یا ~~که~~ حقیقه بندد، اختیارات سلطان مشروطه غیر از مستبدانه است، مع ذلك در ایام استبداد هم که آخرین ایام شاه مظفر لدین خواست استقراری از دولتین نماید اول شرطشان این بود که ملت امضا نماید، تا چه رسد بامروز که مشروطیت ایران رسمی است، جعلور میتواند شاه بحیثیت سلطنت استقرارش نماید، و این که حوالات شاهی به تنگ روسی داده می شد خود يك گره بپلنیک بود برای خوف و رجای دوست و دشمن، عقیده ما این است که اگر ایران عاجلا امن بشود (و یقیناً خواهد شد) با اینکه تمام مصارف شاه منحصر است بمواجب این چند فوج و فشنون حاضر رکاب مع ذلك وضع طالبه ایران هزار درجه بدتر از اول اقتضاح بار خواهد آورد، و آنچه ما ذکر کردیم هیچ منافی نیست با آن عقایدی که درین حرکت نه در راه شاه از دیگران ذکر کردیم که دست خارجی را شامل میدانند حال آن دست پلنیک آلمان و عثمانی است، و یا روس و انگلیس موقع خود موضوع بحث خواهیم داشت ولی از روی قطع دست خارجی درین کار هست، و تعابات پلنیک اجانب شاه را تأیید می نماید حالا این تأییدات مفید بحال آینده شاه و خانواده او هست یا نه امریست جدا گانه

نقداً ما از جانب عموم مشروطین ایران از همدردی اعضای پارلمنت انگلستان و جراند انگلیسی و از سفارت انگلیس در طهران و وزیر خارجه انگلستان اظهار کمال تشکر را می نمایم



مشروطه ایران در آیه

شاه اعلان عدم مخالفت را با مشروطیت ۲۵ ج ۱  
 داده و شیخ فضل الله با بعضی از رجال را برای انتخابات  
 جدید مأمور نمود. این مسئله لازم به تشریح است که شاه  
 و درباریان اگر میتوانستند برخلاف مشروطیت اعلان  
 میدادند، مشروطیت ایران بین شاه مرحوم و ملت امضا  
 یافت و پادشاه حاکم هم نمینماید و قانون اساسی که عبارت  
 از معاهده بین ملت و دولت است امضا گردیده و نقل  
 و ترجمه آن بمجمیع دول و جرائد رسیده داده شده است  
 تا ملت رضا نهد هیچ دولت ایران را جز مشروطه  
 نشناسد، و اگر غیر ازین اعلانی داده بودند با عدم  
 رضایت ملت جمیع دول شاه را غاصب می شناختند.  
 مجبور بودند که مشروطیت را تسلیم نمایند، ورنه فوراً  
 سلطان دیگری برای سلطنت مشروطه ایران پیدا  
 می شد، و حق خانوادگی هم از میان میرفت، شاه  
 همچنانکه از ابتدا زماناً با مشروطه همراه بوده تا عمر  
 دارد همراه خواهد بود، چرا که با چاراست آیا عملاً  
 هم همراه خواهد شد یا نه از تعیین شیخ فضل الله برای  
 انتخاب جدید و امیر بهادر وزارت جنگ و آصف  
 الدوله بمحکومت شیراز زحمت تشریح این نکته را از ما  
 برداشته است

ملت ملت است که می خواهند باسم مشروعت  
 دخل و تصرف در قانون اساسی نمایند، اگر ازین  
 همه قتل و غارتگری چشم به پوشیم ملت بگوید از روی  
 قانون اساسی در دوره اول شاه حق انفصال پارلمان را  
 نداشت و این هم یکی از نقض عهود و خلاف قانون است  
 که شاه نموده، وکلای ملت هر کدام کشته شده هم سائیکه  
 بوده هستند، تعیین وکلای جدید هم یکی از خلاف  
 کارهای دیگر شاه است، ملت هر قسم بتواند نخواهد  
 گذار که بنوسط وکلاء خود روی شاه دخل و تصرفی  
 در قانون اساسی بشود، چه دانستند تصرف در قانون  
 اساسی همان و وداع ایران مشروطیت را همان

با پایوت وقتی که خواست سلطنت فراسه را  
 شخصی کند چرا از وکلاء پارلمان صحنه گرفت و منها  
 درجه استقامت و اقتدار را بخرچ داد و کلا بوشند سلطنت  
 فرانس امروز مناسب است شخصی باشد، وکلای  
 ملت که چنین صحنه دادند چون از جانب ملت بودند  
 گویا تمام ملت صحنه گذاردند، ملت ازین کید غافل  
 نیست من بعد از وکلا رسماً سبب دو اختیار خواهند نمود  
 اول سبب اختیار تصرف در قانون اساسی، دوم سبب  
 اختیار ارتقاع مشروطیت از ایران، سبب این دو اختیار

چگونه باید بشود این نکته را قانون دانهای ملت خود  
 بهتر میداند و این امر باید قانون باشد نه زبانی، رسمی  
 باشد نه معمولی، از آن بعد آورده باشند که حقوق  
 مشروطیت را از ایران احدی نمیتواند سلب نماید، فعلاً  
 شاه و درباریان او هم انکاری از حقوق ملت که مشروطیت  
 سلطنت ندارند نهایت آنکه دعوای ملت بر شاه در مخالفت  
 از مخالف قرآن و نقض قانون اساسی که سبب سلب حقوق  
 سلطنت او شده باقی است، آخر یک وقتی هم حق بحق  
 دار خواهد رسید روز حوش خواهد آمد که ملت  
 هم حقوق خویش را حاصل نماید تعجب درین است  
 که محمد علی شاه هنوز هم آرزوی سلطنت ایران را دارد

تلاکراف اهالی آذربایجان

بجمیع ولایات ۱۵ ج ۲

(مستدعی ارحمیت برادران وطنی که این تلاکراف  
 را هر وسیله در هر نقطه که میسر شایست شود  
 بسایر برادران خود برسانند)

برادران غیور وطن، ای اولاد ایران، ای دلیر  
 زادگان شیراوژن (آیا چه شایدید که خواهموش شدید؟  
 چه شد شمارا که یکدفعه سکوت زده و بهت آورد شدید؟  
 اصفاء طبر شهدای طهران و آذربایجان عوض اینکه  
 بیعت و شهادت شما بیفزاید بسکوت و مرعوبیتان  
 افزوده آیا در میدان بیعت جان دادن، و فدای راه  
 وطن شدن، و شهید در طریق اسلام گردیدن، بهتر  
 از خود کشی و بذات و خواری جان سپردن نیست؟  
 دست از آسنین رحمت و مردانگی برآرید، و گردد  
 خود را از بند این يك مشت صاعلیك برهانید، اقتدا  
 بهوالی خود کنید، پیروی از احکام حجج اسلامیه  
 خویش نمائید، البته میدانید در چنین موقع فرد  
 ار احکام علمای اعلام، بیرون شدن از ملیت و خارج  
 گردیدن از دین و مذهب است، ما نمیگوییم که شر  
 بجهایت ما بر آید یا اردوی ملی بطهران کنید، از  
 سهل انگاری اولاد وطن امروز کار از اینها گذشته،  
 و چاره امر در استقامت ملت و تدبیر است استقامت  
 عبارت ازین است که قلیل قوه مدافعه برای خود مهیا  
 نمائید، هرگاه بتدابیر ذیل رفتار نمائید هم حرکت ملت  
 به يك سباق یعنی بدون اختلاف جلو خواهد نمود،  
 و هم در قلیل زمان ملت بمقاصد خود نائل خواهد آمد  
 (۱) منتهی درجه رعایت و همراهی را با رعایتی  
 خارجه نموده در حفظ مال و جان آن مهیمان همتیز  
 دقیقه فروگذار نه نمائید  
 (۲) قبل از هر امر مستبدین را از میان خود

خاج بآید که کرم دولت وایشه را زود تر از پیشه  
خارجی خستک می نماید

(۳) ادارات دولتی را به تدابیر یا بزور متصرف  
نویسد عایدات آنرا خرج مدافعه نماید نگذارید از عایدات  
ملکی دیناری بمرکز برود، شمشیر بدست دشمن برای  
کشتن خود مدهاید فعلاً چیزی که بدرد حالیه دشمنان  
شما دواست همان و حوه نقدی گمراک است هر جا که از  
عهده تصرف ادارات دولتی عاجزید بطایا را از ادای  
عایدات باز دارید چند ماهی ترک ورود اموال خارجیه  
کنید تا کار عمارت شود

(۴) حکام صحیح سلامیه را درباره مستبدین  
عردم برسانید و اهالی را اقللاً مستعد از دفاع خویش  
سازید

(۵) اقتدار صرف کنید در افتتاح راه مخابرات  
بیکدیگر که این بی خبری از سایر برادران اسباب یأس  
و نا امیدیتان میگردد ادارات گمراک و پست و  
تلهگراف را نگذارید بدست مستبدین ماند که خیلی مضر  
بمال ملت است

(۶) هر ذریعه و وسیله بتوانید قشون محلی را  
از احکام صحیح اسلامیه واقف و به تکالیف ملیه  
آگاه دارید امروز مستبدین بدین حیال اند که بقوت  
قشون آذربایجان بر ملت فارس غلبه نمایند، و بتأیید  
لشکریان فارس آذربایجان را زیر و کاب آرید، ولی هرگاه  
قشون بوظائف ملیه و شرعیه آگاه شود و بداند که  
ما همه یک ملتیم، ما همه اعضای یک جسمیم، ما همه  
مسلمانیم، ما همه درین خاک پاک شریک النفع والضریم  
ما همه برای حفظ مادر وطن سینه سپر کرده از مال و  
جان گذشته ایم ما همه برای آسایش و عزت آنها سنگ  
بسیه میزنیم هرگز اقدام در برادر کشی نخواهند نمود  
هرگاه افراد قشون بدانند که بحکم رؤسای اسلام  
مستبدین در حکم محارب با امام زمانند و بفهمند که  
اگر ما مات خود از در ستمزه بیرون آیند و کشته  
شوند جایشان در جهنم و اگر بکشند در زمره کفار  
و طاقتشان بر باد است، هر آینه از احکام مستبدین سر  
بچی خواهند نمود، و تیغ روی برادران خود نخواهند  
کشید، و خویشان را لاسر لیدیا و الاطره نخواهند کرد،  
و بای بیدار مرگ طاقت بشری نخواهند گذارد، و اگر  
به نصیحتهای شما اعتنا نه نمودند و خویشان را در  
زمره محاربین امام زمان شامل کردند پس بر شاست  
(عقبوا مثل ما هوقبتم) یعنی خانه آنها را خراب

کنید و ما بملکشان را تصرف نماند، و عیال و اولاد  
شان را اسیر و دستگیر سازید تا بچشند عذاب دنیا را  
قبل از آخرت

(۷) متفقاً لکامه جمهوریت را خواستگار  
باشید، و هرگز صلح با این جوان لاابالی رضا  
ندهید، که صلح با این جوان خون خوار و ریشه خود  
کندن است

(۸) می نماند که باسم مدافعه و جهاد با محاربین  
امام عصر عالمی عراقی را بجانب ایران بکشید

هرگاه آن برادران باین تدابیر رفتار نمایند  
دیری نخواهد گذشت که بیرون جمهوریت شما کوفته  
خواهند شد، هرگاه شما اولادان وطن اندک استقامت  
ورزید برادران آذربایجان بیرون جمهوریت دولت  
ایران در طهران خواهند بر افراشت، امروز استقامت  
برای شما دشوار نیست، محاربین امام زمان در قلع و قمع  
برادران آذربایجان ساعی اند، و آن قدرت را ندارند  
که بتوانند هر قطعه قشون روانه دارند، اندک استقامت  
آن برادران مایه حیات ابدی ایران و قوت اسلام است

ای برادران غیور قدری ازین غفلت و تن پروری  
بخود آید هنوز صدای تک تک تلگرافیکه بطهران  
و آذربایجان موده اند در گوش هاست چه شد آن  
شور و خروش شما؟ کجا رفت آن سربازی و جوان  
مردیتان ما شهدای طهران بامید همان تلگرافات شما  
قدم درین میدان هولناک نهاده از سر و جان و مال  
گذشتند از اولاد و عیال صرف نظر کردند از خانه و  
زندگی جنم پوشیدند حالا بیساید و باین تدابیر عمل  
کنید، ما از شما تأیید نمیخواهیم، ولی شمشیر بدست  
دشمنان خود مان مده اید، شمشیر مستبدین امروزه  
پوایست که هر وسیله بتوانند از ملت بگیرند، خواه  
از گمراک باشد یا از طالبات، از پست باشد یا تلگراف  
برادران غیور قزوین - همدان - اصفهان - شیراز -

بوشهر - و غیره خواهش برادران آذربایجانی تان  
ارشا این است که اندک رجوع بظنون تلگرافات خود  
نموده و بنید چه دطوی کرده؟ و چه پشت گرمی  
باهالی طهران داده اید؟ ما جهان پشت گرمی شما بدهان  
ازدها رفته ایم اگر ما باس نظامار شما بجنک دول دیگر  
میرفتیم همین قسم سلوک با ما میکردید؟ آیا این خونهای  
ریخته شده برادران طهران و آذربایجان هبچ دامان  
شما رنگین نمیکند، ذمه شما را مشغول نمیدارد؟  
حالا هم بخود باز آید و وظیفه خویشان و تکالیف

شرعی خود را بشناسید، و مقتضای قنوت و جوانمردی عمل کنید. سلام مارا به تجار غیور برسانید، و بگوئید ای برادران غیور مگر نه شما مؤسس این اساس مقدس بودید؟ مگر نه شما ممتازترین طبقات ایرانید؟ مگر نه شما متدین بدین حنیف اسلام و پیرو علمای اعلامید. مگر حقوق شما درین خاک پاک پیشتر از حقوق سایرین تاق شده و خواهد شد؟ مگر از احکام پیشوایان خود واقف نمیباشید چرا امامت بظلم و قتل و قارت برادران خود میکنید؟ آیا شما از افراد این ملت نیستید؟ آیا شما درین خاک پاک شریک نمیباشید؟ چه می شود که شما هم تاسی به تجار آذربایجان و برادران اسلامبول و روسیه خود نموده دست از کار بکنید؟ و رکون بظلم نکنید، و شریک خون برادران خویش نگردید، ای تجار هندوستان ای زردشتیان غیور ای اولادان حقیقی این خاک پاک اندکی همت نماید همردی و هموطنی ابراز دهید بر ما منت نهد و چند سیاهی از فرستادن مال التجاره بایران تأمل کنید بحول و قوه الهی عنقریب کار بمرام شما خواهد شد و بیرق جمهوریت ایران بلند خواهد گردید، و آهای رفته بجوی باز خواهد آمد امام و کک و همراهی شما با برادران آذربایجان امروزه همین کافی است ورنه بعوض قمع نقصان خواهد دید و بجای نام نیک در تاریخ ننگ بار خواهد آورد و اموالشان بدست ظالم گران و دزدان از میان خواهد رفت (موم ملت آذربایجان)

### تلاکراف مشروطیت تبریز بحجج

#### اسلامیه عتبات عالیات و ایران از

( قفقازیه ۱۷ ج ۲ )

چون از هر طرف ابواب مغربت ما برادران خانین وطن فروش سد نموده اند مستندی از قارئین این تلاکراف جنابع که نظر بحقوق برادری و حب الوطنی و اسلام برستی بهر وسیله بتوانند عنوان این تلاکراف و سایر اخبارات راجعه به تلمه ۲۳ ج ۱ را بحجج اسلامیه هر نقطه برسانند

بمضور مبارک حجج الاسلام سلمه الله تعالی بحسمه های زندغه والحاد و مرتدین و خائنین حقیقی باسلام با چند نفر از علماء سوء دست یکی شده میخواهند حقیقت بساطت عظیمة تلمه ۲۳ ج ۱ را که بر اسلام و مسلمین و حجج اسلامیه و رؤسای مشروطیین وارد آورده ملتبس نموده باشند کاری بگذرانند

چنانچه ۲۵ ج ۱ آن تلاکراف بحول و با علمای حقه و غیر حقه اشاعت داده، گرمی هیجان ملت و سوز سینه های مشروطیین را کم نمایند، بفسمی از هر طرف سد مغربت کرده اند که تا کنون واقف جگر شکاف طهران را اهالی پیشتر بلاد ایران واقف نمیباشند، و باطراف آدمها گسیل داشته و تلاکرات زده و خلوط و وجوه فرستاده اند که از یکطرف رو بوش بروی اعمال کافران خود نهند، و از طرف دیگر مرده را از هیجان انداخته بساطت صاحب بچینند، و نیز از آغاز امر سفیر روس که مبعیج این قتنه و محرک آن بحججه زندغه والحاد یعنی محمد علی میرزای غاصب مرتد بود سایر سفرا را برای میانجیگری و اصلاح مستعد نموده و بهمین وسیله بمضوعد این زندیق را که دست نشاندۀ خودشان است دوباره طالع تاج و تخت ایران فرار داده این سلطنت ششم هزار ساله و چهل کرور ملت اسلام را تحت عبودیت خود بیرون آرند، همین قسم که باسم صلح جنرال قونسل روس در تبریز دامن بر کر زده پس از کشتارهای لاتمد و لانهی ما را فریب داد و آیدات مخفیانه برحیم خان نمود تا قشون زطهرن و کک از اطراف برساند، و یکدفعه ما را قلع و مع نماید، ارتوجهات امام عصر و برکت فتاوی شما موالیان سواران رحیم خان که عمده مایه امیدواری مرتدین و آن تالیان محاربین امام زمان علیه السلام بود فرار نموده، و قشون ککی طهران اسلحه و بخته ترك خدمت نمودند، و راه نجات دنیا و آخرت بساثر ابواب قشون ایران نمود. شیشه آرمان ملاحظه و زیادقه را بسنگ با امید زدد ظاهر است که گفتگوی صالح را به تائید سرا و خائنین از رجال با آن موالیان خواهند نمود چه مرجع و مآب و زعم دنیا و آخرت مسلمین آن موالیانند، لذا آف موالیان را بچند نصیحتیه ام متذکر می شوم

( ۱ ) در امر مصالحت ملت بین دولت و ساطت سفرا را عموماً قبول نه نمایند، چه بموجب معاهدات و قوانین بین الدول اجانب را در امور داخله ما هیچگونه حق تصرف نیست رضی تشوید درین میدان حق برای آنها قائم شود و رسماً دولتمن روس و انگلیس هم اعلان داده اند که مادر منافشات داخلی ایران هیچگونه تصرفی نداریم ملت و دولت محال خود واگذار شده که هر يك بتواند غلبه بر دیگری نموده حق خویش را قائم گذراند

علاوه سائر دول بواسطه رسوخ و نفوذ روس در دربار تابع خیالات او خواهند بود و دولت روس هرگز رضا میدهد ایرانیان ترقی نمایند ، تمام توحش این خواهد بود که محمد علی میرزای زندیق که در بجه آنها مانند موم محکوم است ملک تاج و تخت سلطنت در باطن خویشان را ملک حقیقی ایران قرار دهند

(۲) امر در صورتی قابل صلح بود که فتاوی آن موالیان صادر میگردد ، و تا این درجه توهین بشرع نشده خون هزاران نفوس اسلامی بهوای نفس بک جوان زندیق بهدر غیرت ، اگر سفرای دول که محض اراز تمدن خود دامن برگرزده الصلح الصلح می کنند واقع هوا خواه عوالم تمدن بودند باید در آن بیست روزی که مخالفت بین ملت و دولت بود خیانت و ظلم شده بر تمامشان ظاهر گردید اظهار حیات کرده صلاح ذات البین می نمودند ، چه شد که آنوقت اعلان و طرفی خود را داده حالا اظهار طرفداری می نمایند این حرکات تمام ناشی از خیالات سفیر روس است که این خاک سیاه را بر سر ایرانیان ریخت

(۳) در صورتی که آن موالیان صلاح ملت را بصلح بیند البته مراعات احکام شرعی و ملاحظه از فتاوی نوع عالم و مذاقه در شرف این همه خونهای بناحق ریخته مسلمانان که بهوای نفس بک حوائف شده خواهند نمود ، و در هر صورت شخص محمد علی میرزا را از عنوان مصالحه خارج خواهند دانست ، چه بدیج راه نمیتوان شخص محمد علی میرزا را طرف مصالحه قرار داد ، بعبارت بسیار ساده تسلیم نمودن سلطنت ایران را دوباره باین جوان اسلام و مسلمانان را شهید کردن و احکام شرع را در نظر خاص و عام بست و بی قدر کردن بلکه فیصل نمودن است بر اینکه ایران را دست بسته تسلیم روس دارد و نوع آنها را خار سلطنت و فتاوی آنها را با خاک یکسان کردن میباشد امروزه ملت ایران هموماً و ما اهالی آذربایجان خصوصاً زیر بار سلطنت هیچ سلطان نمیتوانم رفت صدها سال سلطنت قاصبه غیر مشروع بر ما مسلط بوده حالا میخواهیم دولت خود را متوجه قرار دهیم ، و سارقه این اسلام خاصه مذهب جعفری سلطنت مشروع در غیبت امام همام جمهور است که آراء جمیع امت بر انتخاب یک نفر رئیس موقتاً قرار

میگیرد ، چه رئیس موقت دارای قوه مخالفت نمی گردد و هماره مسلمانان از شر او محفوظ می مانند مضار سلطان که هر کجا بود مخالفت کرده بر احدی پوشیده نیست ، و ریشه استبداد از مملکتی جز بجمهوریت سکنده نمی شود ، و بیت المال مسلمین جز در سایه جمهوریت محفوظ نمی ماند در غیبت امام اجماع امت در مذهب ما حجت است (۴) هرگاه این نکته را امروز بمقتضای طبایع اهالی صلاح ندانند همین سلطان مشروطه از خاندان دیگر باجماع ملت باید انتخاب شود چه عموم طبقات ملت از ظلم و سفاکی و بیبایگی و خونخواری و وحشیگری این سلسله هموماً بستوه اند و بهوجب تاریخ هیچ خاندانی مانند این سلسله ملت را در فشار ظلم نگذارد و هرگاه این نکته را هم منافی با سیاست امروزه ایران دانند و ایستاد را به تخت نشاندند نایب السلطنه برای وی مقرر دارند و این آخرین نتیجه صلح است

آن موالیان بهتر میدانند که اعم بر اینکه شرعاً و عقلاً و سیاستاً و جز ما سلطنت محمد علی میرزا دوباره صحیح و مصلحت اسلام و سیاست ایران نیست احدی از ایرانیان رشته سلطنت او را بگردن نخواهد انداخت ، و تا یک نفر از ما ملت آذربایجان زنده باشد زیر بار سنگ سلطنت او نخواهد رفت ، و اگر سایر برادران ما همراهی باین عنایت نه نمایند از روی قطع و بقیین ما صوبه آذربایجان را مجزی دانسته بیرق جمهوریت خواهیم بر افراشت

اذا مناسب است قبل از آنیکه هیچگونه سخنی در ماده مصلحت مانند شود آن موالیان کاملاً از خونهای بناحق ریخته شده واقف و از حرکات حیوانانه آن جوان زندیق مطلع و از توهیناتی که بشرع مطهر نموده و صدماتیکه بحجج اسلامی و ذراری رسول الله وارد آورده مطلع گردیده تا حقیقت امر و سازش این مرتد با روس و خیالات آئینه آن درباره ایران آگاه گردند ، که نتوانند بشبه سازی بر آن موالیان کاری اریش برند بفرض که ابواب استفسار و تحقیق از مسلمانان بروی آن موالیان هم بسته باشند ، میتوانیم تحقیق حالات را از کفار و رنگ به نماید ممکن است کشف مطلب از هزاران جرنلد اروپا بشود که جز وقایع نگاری کاری ندارند و ب طرف محض اند

( عموم اهالی تبریز )



جواب تلکراف حجج اسلامیه

عبات عالیات بشاه

( بعد از نامه ۲۳ ج ۱ )

طهران بتوسط آقایان حجج الاسلام بهائی و طباطبائی واقعاً دامت برکاتهم

حضور مبارک اعلی حضرت شاهانه خلایقه ماکه بعد از ادبیه خالصه عریضه میداریم، برواضح است که اقدامات مجدانه داعیان محض حفظ دین مبین و قوت و شوکت و مجدات دولت و ترقی مات و ترفیه حال رعیت و صیانت نفوس و امراض مسلمین بوده، و مکرراً هم این معنی را نصحاً و خلوصاً تلکرافاً و کتباً به مرض رسانیده و بجواب مساعد نزل شده، حالاً دست خط تلکرافی زیارت و موجب کمال اسف و حیرت گردید، زیرا که معلوم شد باز انفاس خائین اثر سبب خود را بخشیده، لزوماً خالصانه عرض میباید، اگر اظهارات ملوکانه همان قسمیکه معمول است مبنی بر واقفیت و بر مضمون قول حضرت شاه ولایت علیه السلام که ( خیر الممال ما صدقه الفعالم ) تطابق داشت چنین روزگاران سیاه برای دین و دولت و ملت دست میداد، و اتلاف نفوس و امراض و اموال مسلمین این حد منتهی نمیشد، و جناحیه هم کماله در این موقع واقعاً باصلاح مملکت متوجه بود این اغتشاشات مملکت ویرانه ساز خصوصاً آذربایجان که زیاده از هزارها نفوس و امراض تلف شده و میشود نمیشد، و سعادت مملکت چنین بی صاحب نمی ماند، و بای اجانب بمملکت باز نمیشد، در طهران بآن امنیت بچنین هیئت موحشه تشکیل اردو نمیفرمودند، دفع مفسد و قلع وقع فرقه ضاله بابیه خدایم الله را بوزارت عدلیه ارجاع و بعد از ثبوت شرعاً برونق قوانین مشروطیت اسهل ما بکون و موجب مزید استحکام و اتحاد دین و دولت می شد، مگر گرفتار شدن آن صاحب اطلاعات کفریه که از اسان بابیه منتشر بنمودند به مرض اقدس نرسیده؟ هزاران افسوس که مفسدین نمک شناس محض پیش رفت مقصود خودتازان ساحت ملوکانه را بچنین اقدامات که موجب یأس کلی و تکرر نقض عهود و امان مآکنه است آورده، و این عهد فرخنده را که

سزاوار بود سر دفتر سماعت گردد دوچار حسین بدنامهای امدی نمودند، و علی ای حال بدیوی است حفظ دین مبین و استنلال دوات اثی عشریه شبدلله ارکانها بدم تخطی از قوانین مشروطیت متوقف و التزام آن بر قاطبه مسلمین مخصوص بر شخص اقدس شاهانه اراهم واجبات است، و این اقدام اخیر اگرچه موجب یأس کلی است لکن جناحیه مفسدین باز هم ذات اقدس را بحالت دین پروری و مملکت داری بگذارد امید است که انشاء الله تعالی بحسن تدارک و اقدامیکه کاملاً موجب رفع وحشت عمومی باشد مبادرت فرموده و به گسیختگی کلی که خدای نخواستگاری تکلیف حفظ دین و دولت و اعراض و اموال ملت اقدس دیگری خواهد داشت رضا خواهند داد انشاء الله والامر لمن له الامر

حاجی میرزا حسین - محمد کاظم الخراسانی -  
عبدالله المازندرانی

تلکراف نیست که بشاه قبل از ۲۳

ج ۱ از اصفهان شده است

حضور اعلی حضرت همیون خلایقه ماکه با کمال هجز و انکسار عرضه میداریم از مراتب مساعف ذات اقدس آن بدر تاحدار که از دستخطهای مبارک و شهود مؤنه و ایجاب مؤکده مشهود مات شده خصوص از صدور امر مبارک به تبیید مرضین نامت و تخرین مملکت و خائین دولت امیر بهادر جنگ و شایستال یهودی و علی بیگ و موقر الساطنه و امین الملک و مفاخر الملک عموم ملت محیب ایران شکر گذار گشته و بشکرانه آن خاکبای اعلی حضرت همیوی را کحل البصر میداستند

تا آنکه دستخط تلکرافی مبارک زیارت شد از این دستخط مبارک و اخبار خارجه معلوم میشود هنوز تخرین نمیگذارند قاب مبارک اعلی حضرت همیوی بحال مملکت حراب و ملت بجان رسیده ترحمی فرماید و میخواهند اقدام بر خلاف اصول مشروطیت را که اسباب یأس از دولتت صلاح دولت جلوه دهد و باضراض قلمد خود دولت شش هزار ساله را متزلزل نمایند و ملت محنت کشیده ایران را که تا آخر طرره



علاوه سائر دول بواسطه رسوخ و نفوذ روس در دربار تابع خیالات او خواهند بود و دولت روس هرگز رضا میدهد ایرانیان ترقی یابند ، تمام توحش این خواهد بود که محمد علی میرزای زندیق که در بجه آنها طاعت موم محکوم است ملاک تاج و تخت ساخته در باطن طویشن را ملاک حقیقی ایران قرار دهند

(۲) امر در صورتی قابل صلح بود که فتاوی آن موالیان صادر میگردد ، و تا این درجه توهین بشرع نشده خون هزاران نفوس اسلامی بهوی نفس یک جوان زندیق بهدر میرفت ، اگر سفرای دول که محض اراز تمدن خودداس برگرزده الصلح الصلح می کنند واقع هوا خواه عوالم تمدن بودند باید در آن بیست روزی که مخالفت بین ملت و دولت بود خیانت و ظلم - بر تمامشان ظاهر گردید اظهار حیات کرده صلاح ذات الدین می نمودند ، چه شد که آنوقت اعلان بی طرفی خود را داده حالا اظهار طرفداری می نمایند این حرکات تمام ناشی از خیالات سفیر روس است که این خاک سیاه را بر سر ایرانیان ریخت

(۳) در صورتی که آن موالیان صلاح ملت را بصلح بیند البته مراعات احکام شرعیه و ملاحظه از فتاوی نوع عالم و مذاقه در شرف این همه خونهای بناحق ریخته مسلمانان که هوای نفس یک جوان شده خواهند نمود ، و در هر صورت شخص محمد علی میرزا را از عنوان مصالحه خارج خواهند داشت ، چه بیچ راه نمیتوان شخص محمد علی میرزا را طرف مصالحه قرار داد ، بعبارت بسیار ساده تسلیم نمودن سلطنت ایران را دوباره باین جوان اسلام مسلمانان را شهید کردن و احکام شرع را در نظر حاس و عام بست و بی قدر کردن با که فیصل نمودن است بر اینکه ایران را دست بسته تسلیم روس دارند و نوع آنها را خار ساختن و فتاوی آنها را با خاک یکسان کردن میباشد امروز ملت ایران هموماً و ما اهالی آذربایجان خصوصاً زیر بار سلطنت هیچ سلطان نمیتوانیم رفت صدها سال سلطنت فاسده غیر مشروع بر ما مسلط بوده حالا میخواهیم دولت خود را متذرع قرار دهیم ، و سار قوانین اسلام خاصه مذهب جعفری سلطنت مشروع در غیبت امام همام جمهور است که آراء اجماع امت بر انتخاب یک نفر رئیس موقتاً قرار

میگیرد ، چه رئیس موقت دارای قوه مخالفت نمی گردد و هماره مسلمانان از شر او محفوظ می مانند مضار سلطان که هر کجا بود مخالفت کرده بر احدی پوشیده نیست ، و ریشه استبداد از خاکتی حز بجمهوریت سکنده نمی شود ، و بیت المال مسلمین جز در سایه جمهوریت محفوظ نمی ماند در غیبت امام اجماع امت در مذهب ما حجت است (۴) هرگاه این نکته را امروز بمقتضای طبایع اهالی صلاح ندانند تسلیین سلطان مشروطه از خاندان دیگر باجماع ملت باید انتخاب شود چه هموم طبقات ملت از ظلم و سفاکی و بیباکی و خونخواری و وحشیگری این سلسله هموماً بستوه اند و بموجب تاریخ هیچ خاندانی مانند این سلسله ملت را در فشار ظلم نگذارد و هرگاه این نکته را هم منافی با سیاست امروزه ایران داند و ایسید را به تخت نشانده نایب الساطنه برای وی مقرر دارند و این آخرین نتیجه صلح است

آن موالیان بهتر میدانند که اهم بر اینکه شرعاً و عقلاً و سیاستاً و جزماً سلطنت محمد علی میرزا دوباره صحیح و مصلحت اسلام و سیاست ایران نیست احدی از ایرانیان رشته سلطنت او را بگردن نخواهد انداخت ، و تا یک ضرر از ما ملت آذربایجان زنده باشد زیر بار ننگ سلطنت او نخواهد رفت ، و اگر سایر برادران ما همراهی باین عنایت نه نمایند از روی قطع و یقین ما سوبه آذربایجان را مجزی داشته بیرق جمهوریت خواهیم بر افراشت

لذا مناسب است قبل از آنیکه هیچگونه سخنی در ماده مصلحت بلند شود آن موالیان کاملاً از خونهای بناحق ریخته شده واقف و از حرکات حیوانانه آن جوان زندیق مطلع و از توهیناتی که بشرع مطهر فروده و صدماتیکه بحجج اسلامی و ذراری رسول الله وارد آورده مطلع گردیده تا حقیقت امر و سازش این مرتد با روس و خیالات آتیه آن درباره ایران آگاه گردند ، که نتوانند بشبه سازی بر آن موالیان کاری از پیش برند بر فرض که ابواب استفسار و تحقیق از مسلمانان بروی آن موالیان هم بسته باشند ، میتوانیم تحقیق حالات را از کفار مرتکب به نمایند ممکن است کشف مطلب از هزاران جرنلد اروپا بشود که جز وقایع نگاری کاری ندارند و بی طرف محض اند

( هموم اهالی تبریز )

جواب تلگراف حجج اسلامیه

عبات عالیات شاه

( بعد از نامه ۲۴ ج ۱ )

طهران بتوسط آقایان حجج الاسلام بهائی و طباطبائی واقعه دامت برکاتهم

حضور مبارک اعلیحضرت شاهانه ظللهدا الله مآکة بعد از ادعیه خالصه عرضیه میداریم، برواضح است که اقدامات مجدانه داعیان محض حفظ دین مبین و قوت و شوکت و دوات و ترقی مات و ترفیه حال رعیت و صیانت نفوس و اعراض مسلمین بوده، و مکرراً هم این معنی را اصحاً و خلوصاً تلگرافاً و کتباتاً عرض رسانیده و بجواب مساعد نازل شده، حالاً دست خط تلگرافی زیارت و موجب کمال استغ و حیرت گردید، زیرا که معلوم شد باز اناس خائنین اثر سمیت خود را بخشیده، لزوماً خالصانه عرض میداریم، اگر اظهارات ملوکانه همان قسمیکه معمول است مبنی بر واقفیت و بر مضمون قول حضرت شاه ولایت عا به السلام له ( خبر المنال ما صدقه الفمال ) تطابق داشت چنین روزگاران سیاه برای دین و دولت و مات دست میداد، و اتلاف نفوس و اعراض و اموال مسلمین باین حد منتهی نمیشد، و چنانچه هم کامله در این موقع واقعاً باصلاح مملکت متوجه بود این اغتشاشات مملکت ویرانه ساز خصوصاً آذربایجان که زیاده از هزارها نفوس و اعراض تلف شده و میشود نمیشد، و حدمات مملکت چنین بی صاحب نمی ماند، و بای اجانب بمملکت باز نمیشد، در طهران بآن امنیت بچنین هیئت موخته تشکیل اردو میفرمودند، دفع مفسد و قلع وقع فرقه ضاله بابیه خدام الله را بوزارت عدلیه ارجاع و بعد از ثبوت شرعاً بروفق قوانین مشروطیت اسهل ما یكون و موجب مزید استحکام و اتحاد دین و دولت می شد، مگر گرفتار شدن آن صاحب اطلاعات کفریه که از اسان بابیه منتشر بنمودند بمرض اقدس نرسیده؟ هزاران افسوس که مفسدین ملک شناس محض پیش رفت مقصود خودشان ساحت ملوکانه را بچنین اقدامات که موجب یأس کلی و تکرر نقض عهود و ایمان مأکده است آلوده، و این عهد فرخته را که

سزاوار بود سر دفتر سماعت گردد دوچار سبب بدنامیهای امدی نمودند، و علی ای حال بدینی است حفظ دین مبین و استدلال دوات انی عشریه شد الله ارکانها بعدم تخطی از قوانین مشروطیت متوقف و التزام آن بر قاطبه مسامین خصوص بر شخص اقدس شاهه اراهم واجبات است، و این اقدام اخیر اگرچه موجب یأس کلی است لکن چنانچه مفسدین باز هم دات اقدس را بحالت دین پروری و مملکت داری بگذارند امید است که انشاء الله تعالی بحسن تدارک و اقدمیکه کاملاً موجب رفع وحشت عمومی باشد میبادرت فرموده و به گسیختگی کلی که خلدای نحوایه تکلیف محض دین و دوات و اعراض و اموال مات نصی دیگر خواهد داشت رضا نخواهند داد انشاء الله والامر لمن له الامر

حاجی میرزا حسین - محمد کاظم الخراسانی - عبدالله المازندرانی

تلگرافیت که بشاه قبل از ۲۳

ج ۱ از اصفهان شده است

حضور اعلیحضرت همیون ظللهدا الله مآکة با کمال هیز و انکسار عرضه میداریم از مراتب مساعدت ذت اقدس آن پدر تاحدار که از دستخطهای مبارک و عهود مونه و ایمان مؤکده مشهود ملت شده خصوص از صدور امر مبارک به تبعید مرضی با عاب و مخربین مملکت و خائنین دوات امیر بهادر جنگ و شایستال بودی و علی بیگ و موقر الساطنه و امین الملک و مفاخر الملک عموم ملت محیب ایران شکر گذار گشته و بشکرانه آن خاکبای اعلیحضرت همیون را کحل البصر میداستند

تا آنکه دستخط تلگرافی مبارک زیارت شد از این دستخط مبارک و اخبار خارجه معلوم میشود هنوز مخربین میگذارند قاب مبارک اعلیحضرت همیون بحال مملکت خراب و ملت بجان رسیده ترحمی فرماید و میخواهند اقدام بر خلاف اصول مشروطیت را که اسباب یأس از دولتست صلاح دولت جلوه دهد و باعراض قائد خود دولت شش هزار ساله را منزلت نمایند و ملت محنت کشیده ایران را که تا آخر قطره

حور خود را برای حفظ اساس مشروطیت و عدم  
تخطی از اصول اساس مقدس عدالت حاضر ساخته اند  
از دست اقدس اعلی حضرت مأموس نموده از راه الحاق  
و اضطرار باره اقدامات ناگوار و ادار نمایند  
اعلی حضرت تا بدینجا دارا بنصرف اسانیت ولایت سلطنت  
سمت میدهیم وحدار حکم و مدقت ملاحظه و تصور  
فرمایند ممکن است چندین کرور ملت بیدر را مفرصین  
باین نسیبالات غفسال نمایند یا آنکه بن مات بعد از  
بن خودی سگره خود و دروغها و خسارات و  
تلافی مفسد دیده و عمل داده تا باین شروع  
مقدس و موصود اقدس مائل شده آیا ممکن است تا یک  
بن را با بیست دست بکشند؟ حاشا و کلا استعدای  
عاجزه از پیشگاه ملوکاه آنکه بر این مات محال  
رسیده و نمکت خراب و دوات شش هزار ساله نرم  
در بوده مساهدت حقیقی را اهم فرغض ذمه ملوکاه  
مقرر فرمایند و الا راعلی حضرت غنی نخواهد ماند  
که عاقبت این کار بکجا خواهد کشید و تسایح و خیمه  
و بی خبر رسیده

( انجمن ولایتی و عموم ملت اصفهان )

### تلاکراف اهالی تبریز بشاه

حاکمی مبارک اعلی حضرت اقدس هابون شاهنشاهی

خلیفه مکه

دستخط تلاکرافی زیارت شد این مات راه جا  
در رد عنون خطاب فرموده اید این مات هم آنوجود  
مقدس را در نظر بدر مهربان دانسته اند هنوز  
برایش مرحوم مبرور نایب السلطنه در انتظار است  
نه مکرر فرمود آذربایجان پیراهن بن من است با  
بن حالت این اقدامات قاهره اعلی حضرت عنقریب  
نیجه مدعش و موخش هم برای ملت و هم برای  
حاکم سلطنت خواهد داشت محض دولت و ملت  
رسوق استعدا دارم تا حلالا کافی السابقی صبر و حلم را  
پیش گرفته باز این یک مشت فرزند خود را در  
آتش کشیده اگر تنبیه چند نفر مخالف قانون منصور  
ست حکم تر بشورای کبری و پوزارت عدلیه راجع  
فرمایند و لا محققا هر فرزندش بلا وارث می ماند  
و نام یک در دنیا نمیکندارد ( انجمن خدمت -  
انجمن خدمت - انجمن صداقت - انجمن نیکت -

انجمن مصاحبت - انجمن اتحاد - انجمن قدرت -  
انجمن توفیق - انجمن انصار - انجمن اتفاق -  
بجاهدین - انجمن نجات - انجمن ماگویان -  
انجمن مشورت - انجمن همت - انجمن مساوات -  
انجمن اصناف )

### مخبرت ننگرانی حجج اسلامیه و فتاوی

( آن بر گوران قبل از ۲۳ ج ۱ )

### تلاکراف از قزوین بولایات

خدمت عاظمه اعلام و حصون اسلام انجمن ابالی  
و سایر انجمنها - تبعد چند نفر از دربارها از قبیل امیر  
بهادر که از اول مشروطیت بشدت مشغول افساد و  
اخلال روابط بین ملت و مقام سلطنت بوده دست  
فسادشان بدان خارج دراز گشته استقلال مملکت را  
در معرض خطر عاجل گذاشته مکرر با انواع و سبیل  
مناسبه از حضور هابونی استدعا شده بود - چند روز  
قبل قاطبه امرا و سرداران در منزل حضرت اشرف  
عضد الملک منحصر و تبعد آنها را از دربار استدعا  
نمودند و قبول شد - ولی بار از قوه بقل نرسید روز  
پنجشنبه اعلی حضرت بصورت خیلی موخشه بقتاً بیابغ شاه  
که بیرون دروازه است تشریف برده اردوی مفصلی  
در آف جا تشکیل داده دبروز بکشند در موقع  
شرفیای چند نفر از سرداران امرا را امر بتوقیف  
فرموده بیرون دروازه توب گذاشته اند حالت حاضره  
خیلی موخش اهالی مشوش سیم ها تقطوع اقدامات  
کلیتاً بر انهدام اساس مشروطیت و محاسن قریب الوقوع  
اقدامات سریه که نتیجه آن هر طور است زود بانهران  
برسد لازم است ( عبدالله الموسوی بهمان - محمد بن صادق  
طباطبائی ۹۱ ج ۱ )

### حواب اصفهان بظهران

خدمت حضرتین حاجتین آقای بهمانی و آقای  
طباطبائی مدظالمها العالی تلاکراف جنابا عالی زیارت مراتب  
حیات و خبایات و راستمدادی و تلون و عدم لیاقت  
محمد علی میرزا بر عموم ملت پوشیده و مستور نیست و  
از این به بعد عموم مسلمانان و اهالی ابراف او را  
سلطان نمیدانند خراب است حجج اسلام خاصه و کلای  
محترم پارلمان بزودی تعیین سلطنت مشروطه خورای

نموده و این مات محیب را از گرفتاری باین حرکت  
وحشیانه محمد علی میرزا آزاد فرماید

( عموم ملت و انجمن مرکزی اصفهان )

تلاکراف اهل طهران عجب اشرف

( از طهران بقصر )

حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام آية الله  
آقای حاجی، و حضرت مستطاب حجة الاسلام آية الله  
آقای خراسان، و حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای  
مازندرانی دامت ظلالم چند روزیست اعلی حضرت  
بدون بهانه با هیئت موحنه در خارج دروازهها تشکیل  
ارده و چند نفر از امراء را بعد از دوسه روز حبس  
تبعید مات در کمال استیحاخ و خوف قتل نفوس فوق  
العاده ولایات ایران تعطیل عمومی امدادات مجدها سریعاً  
تسلیح فوراً لازمست ( عبداقده الموسوی الهیانی )  
( جمال الدین الحسینی انجمنه )  
( محمد ابن صدق الطباطبائی )

احکام تلاکرافی مقدسه حجج

اسلامیه عبات عالیات و ایران در حق

( مخالفین مجلس شورای ملی و معاندین مشروطیت )

قبل از ثلثه ۲۳ ج ۱

طهران بتوسط آقایان حجج لاسلام بهیانی و  
طباطبائی واقجه دامت برکاتهم

عموم صاحب منصبان و امراء و قزاق و نوکر  
های نظامی و عشایر و سرحدداران ایران ابدالله تعالی را  
بسلام وافر مخصوص میداریم همواره حفظ حدود  
و نفوس و امراض و اموال مسالمن در عهده آن  
برادران محترم بوده و هست و همگی مداید که همراهی  
با مخالفین اساس قویم مشروطیت هر که باشد وادی  
تعرض بمسالمان و حامیان اساس قویم محاربه با امام  
عصر علیه السلام است، البته باید همگی نحرز و ابدأ  
بر خلاف مشروطیت اقدامی ننمایند انشاء الله تعالی

( حاجی میرزا حسین - محمد کاظم الخراسانی )

( عبداقده المازندرانی )

ایضاً

بانهنهای محترم وقاطبه مسلمین بلاد محروسه  
ایران دامت تأییداتهم - امروزه حفظ اساس قویم

مشروطیت در قطع محلف هر که باشد بر قضا  
مسالمن واجب و لازم و موجب حفظ دین مبین و  
دولت تشیع و فیه نفوس و امراض و اموال مسالمن  
است بصرکم الله و ثبت اقدامکم

محمد کاظم الخراسانی - عبداقده المازندرانی

ایضاً از اصفهان بشیراز

جواب خدمت رادرفان وطنی و احباء غمور  
تلاکرافات غیرمعتاده زیارت شد امروز صبح شبیه  
ز جاب تمام حجج الاسلام جواب آن خان عیال باشد  
آنچه تصور شود مخبر گردید و انهام نیات مقدسه مات  
تمام اهالی اصفهان حاضر و حاضر هستند، در حرکت  
ارده و تمجیل فرمایند که مقدسه ارض مقدسی در  
برادران همدان و روحرو و عراق و - ر بلاد  
جنوب هم اطلاع دادیم که هم ملحق باشوند حکمی  
هم امروز حجج الاسلام در حق اهالی اردوی باشد  
فرمودند که تلاکرافاً بطهران مخبره شد که مؤ  
و حوالاً در دیل درج میشود -

صورت سوال از حجج اسلامیه اصفهان

از طرف انجمن اهلان، انجمن سعادت، انجمن  
اتحادیه طلاب، انجمن مرکزی، انجمن اتفاق، انجمن  
صفا، انجمن اصفهان، مرکزی، آذربایجان،  
جنوب، و سایر انجمنها، و ادارات حراید همور،  
صورت استفتائی است که از حجج الاسلام مدطالاه  
شده است

حضور مبارک حضرت حجج الاسلام و المسالمن  
دام ظلالمهم در طهران بعضی افراد سرماز و سوار و  
قزاق در باغ شاه جمع شده اند بمحلفت محاس  
مقدس شورا شیداقه ارکانه و اسباب ترسانیدان  
مسالمان شده میبای قتل و هت مسالمن و اهدام  
اساس مقدس مشروطیت که موافق با احکام شریعت  
است میباشند، حکم شرعی در حق افراد آنها و صاحب  
ملصبان آنها چیست شاید در میان آنها مسالمانی غافل  
از حکم اسلام باشند میخواهیم آنها را از گراهی محت  
بدهیم امرکم مطاع

جواب حجج الاسلام اصفهان

بسمه تعالی چون امروز بقا و دوام اسلام منوط  
باساس مقدس مشروطیت است بقانون شریعت مطم



تلاکراف قزوین بولایات

معالم همان است که حضرتین - جنتین صورت نوشته  
 بواسطه قطع سیم طهران به توسط دو مجاهد گیلانی مسجلاً  
 بقزوین فرستادند چون بخبرالدوله رئیس تلگرافخانه شده  
 رئیس قزوین هم از ترس مخبره نمیکرد مجاهدین خصوصاً  
 و ملت هموماً حاضر شدیم برای توقیف رئیس چون  
 جانش در خطر بود مخبره کرد مطلب همان است  
 میرزا صالح حن باغمشه منزول و حبس و امیر معظم  
 حاکم طهران وضع طهران مفتوش میل شاه به تبید  
 جمعی از وکلای صاف گوی متدین اقدامات مجده  
 فرموده سایر فدائیان ملت هم اطلاع بدید

خادم مجاهدین (حسن الحسینی)

تلاکراف از طهران بولایات

از روز پنجشنبه باین طرف بعض وقوعات ناگوار  
 واقع شده هنوز معلوم نیست کار یکجا منجر شود  
 تکلیف را محالاً نمی توان معین کرد، هر چه واقع شد  
 اطلاع داده خواهد شد نایب مدیر انجمن اتحادیه  
 آذربایجان سید جلیل

(تلاکراف از همدان به تبریز)

خدمت اعضای محترم انجمن ایالتی آذربایجان  
 دامت برکاتهم خدعه بودن تلاکراف شاه از همراهی ما  
 مجلس مقدس ظاهر اهالی همدان جانها بکف گرفته ما  
 تمام قوا منتظر فرمان مجلس مقدس میباشند شما هم  
 تکلیف خود را بدانید انجمن ولایتی همدان

(تلاکراف طهران از قزوین به تبریز)

امروز طهران از دیروز شلوغتر و کار سخت  
 تر شده هر یک از مات را در گوشه و کنار پیدا کنند  
 اسحله آنها را گرفته حبس میبرند قزاق در شهر  
 طهران گردش میکنند

(تلاکراف طهران به تبریز)

تقی زاده و مستشارالدوله و هموم وکلا سلامت  
 رمز اقتضار حاضر نیست حال حاضر بسیار بد شاه مشغول  
 دادن فریب تلگرافخانه مفتش دارد شاید دیگر احضار  
 تلگرافخانه ممکن نشود مذاکره خاج فعلاً تا سه چهار  
 روز صلاح نیست، لیکن هیجان را نباید ترك نماید  
 بشاه تلاکراف شود که این خلاف قانون را ترك نماید  
 ضمناً نهید نمایند هم چنین هموم مات و علماء نصیحت

اسلام این اشخاص مثل کسانی هستند که در کربلا  
 اجتماع نمودند و در صدد قتل امام مظلوم برآمدند، و  
 هر تیری که بحاجت مسلمین بپندازند مثل اینست که آن تیر را  
 به بدن مقدس حضرت سید الشهداء (ع) زده باشند و  
 گر از این اجتماعات اسباب خوف رعیت و ترس مسلمانان  
 زده باشند مثل کسانی هستند که اهل بیت عصمت را  
 در کربلای معلی ترسایند، این اشخاص و اخلای آنها  
 در دنیا مبنویس و مطرودند، و در آخرت در زمره  
 قاین حضرت سیدالشهداء ارواحنا فداء محسور خواهند  
 شد، اسبکه، کوفه پول گرفتند و بجزگ سیدالشهدا  
 روند با بن اشخاص یکسانند ۲۰ جمادی الاول عموم  
 عهای اسمان - محمد تقی عقی، شیخ نور الله، والذام  
 الموسی، حسن الموسوی، ابوالحسن طباطبائی، محمد باقر  
 طباطبائی، محمد علی کلباسی، اباعبدل طباطبائی، احمد الحسینی،  
 صیرالدین، شیخ الا - امام محمد رضا الحسینی داعی اهل

تلاکراف قزوین بولایات  
 (آقای حاجی سید عبدالجسین لاری در شیراز)  
 (بعوم بلاد بعد از ثلثه عظیمه ۲۳ ج)

جهاد با بن مستبدین و محاربین مسلمین و اسلام  
 عظم از جهاد اکفار و یزید، و ضربت علی فی يوم الخندق  
 فضل من عبادة الثقلين است

اقل خدام الشریعه عبدالحمین الموسوی

تلاکراف ایست که قبل از داهیه دهیاء

۱۳ ج ۱ در ولایات بین اهالی ایران

(مخاره شده)

صورت تلاکراف رشت خدمت

(آقایان نجف اشرف)

نجف حجج اسلام و حضرات عظام و طلاب اهالی  
 ایران برینین حوینهای خود برای برقرار شدن حکم  
 صادر از ناحیه مقدس استعرا و مجلس مهیا شاه مشغول  
 نشیدن توپ طهران سوار و قزاق در صدد ویران  
 نمودن مسلمانان علاج صدور حکم نخبع او از سلطنت  
 است و الا و این بیضه سلام و حوضه مسلمانان از  
 باقی نخواهد ماند عجماله از این سرحد و ما مسلمانان که  
 از حوای اربیه گرفتاریم صرف نظر نرمائید یا حجه الله  
 ادرکنا (انجمن ولایتی)

نماند و در نانی اگر نتوانستیم در تکران خواه حاضر  
تجویم دلیل القاطع اخبار است ( میرزا آقا )

تلگراف تبریز به شیراز

حضرت مستعاب والا شاهزاده ظل السلطان  
دام اجله

از خبر گرفتاری فرزند رشید ملت پرست آن  
شاهزاده عالی مرت شاهزاده جلال الدوله اگرچه ملت  
آذربایجان خیلی افسرده گردیده ولی از طرف دیگر  
بجز از این سعادت بزرگ که در راه حریت ملت و  
آزادی وطن بسته زنجیر استبداد شده شایان هر قسم  
تبریکات خالصانه است و ملت تا آخرین قطره خون  
خود در استخلاص آن فدائی عدالت و وطن خواهد  
کوشید ( انجمن شورای ایران در تبریز )

( جواب از شیراز به تبریز )

در جواب ما کمال امتنان زحمت میدهم از این  
تلگراف نهایت امتنان حاصل شد در راه ملت پرستی  
بجهدا که همه قسم امتحان داده ام امتحان فرزند هم  
لایم بود که خوب به برادران عزیزم مشکوف شود  
مفاخرت میبایم به هیچ وجه تکراری نیست بلکه سر و  
پسره که در راه عزیزان بود بار گران میدام

( ظل السلطان )

( تلگراف از تبریز به طهران )

( توسط انجمن آذربایجان )

خدمت شاهزاده (جلال الدوله) وزیر اکرم سردار  
مانور و معتضد الملک دامت تأییداتم از خبر گرفتاری  
آن فدائیان آزادی که در راه حفظ مشروطیت  
مقهور استبداد شده ابد عموم ملت آذربایجان در  
اقعی درجه آماده جان فشانی هستند و از این سعادت  
بزرگ ملی تبریکات خالصانه می نمایم و امیدواریم که با  
رقه حریت وطن از تضییقی که به آزادگان ملت داده  
میشود بوجود خواهد آمد

( انجمن شورای ایران )

تلگراف همدان باصفهان

خدمت آقایان حاجج اسلام و سایر اعضای محترم  
انجمن ولایتی اصفهان دامت برکاتهم - خدعه بودن تلگراف  
شاه از همراهی با مجلس مقدس واضح شد، عموم ملت  
همدان چنانها در کف گرفته با تمام قوای منتظر فرمان

مجلس مقدس میباشند شما هم تکلیف خود را دانید  
( انجمن ولایتی همدان )

تلگراف اصفهان برشت

خدمت انجمن محترم ولایتی دامت برکاتهم مجرد  
استماع خبر وحشت اثر مخالفت محمد علی میرزای خان  
با مجلس مقدس دارالشورای کبری شیدا که ارکانه انجمن  
ولایتی و سایر انجمنهای مایه و عموم ملت در هیجان  
کلیه ادارات دولتی تعطیل، رؤساء آنها توقیف قویاً  
واحداً با شما هم آواز، من بعد نمکی نیست این شخص  
خان هوا پرست متلون که لیاقت هیچ کاری ندارد چه  
رسد به سلطنت به پذیرد، و از حالا بعد منتظر تعیین  
سلطان از طرف پارلمان باشند تلگرافات متعدده مبراکر  
لازمه عساکر نمودیم

( انجمن ولایتی اصفهان )

تلگراف تبریز باصفهان

خدمت جنابان مستعابان اعضای نظام انجمن محترم  
ولایتی دامت توفیقاتهم از تغییر مسلک شاه نسبت به  
الشورای کبری و اساس مقدس مشروطیت البته اطلاع  
دارید از انجمن مقدس نگرام از اقدامات خودتان  
فورا اطلاع بدهید

( انجمن ابالی آذربایجان )

تلگراف برشت باصفهان

انجمن مجاهدین - منام دار الشوری دو چار نمود  
استبداد شاه عهد شکن سست چنان شده عموم ملت  
رشت با تمام قوای خود برای احرا می نیات مقدس  
دارالشوری حاضر فرقه مجاهدین تا آخرین قطره خون  
خود شان موجود و مصمم عزیمت طهرانند

( مجاهدین )

جواب اصفهان برشت

خدمت انجمن مجاهدین وصول تلگراف غیرتفنده  
مبنی بر هضم حرکت و حاقشانی در اجرای نیات  
مقدسه مجلس دارالشوری شیدا که ارکانه و رفع محمد علی  
میرزای عهد شکن موجب تشکر عموم ملت اصفهان  
خصوص انجمن مجاهدین گردید، قبل از وصول  
تلگراف آن برادران غیور ما هم عازم بوده بانک مصمم  
هضم شد از حرکت خودتان اطلاع بدهید

( انجمن مجاهدین )

تلاکراف شرر باصفهان

خدمت انجمن محترم ولایتی اصفهان البته اخبار مخالفت محمد علی میرزا را فرموده اند دیگر تحمل فرد این جن را نمیتوان کرد جواب تلاکراف محمد علی میرزا دادیم که ر امروز در کمال سختی او را بشی میشناسیم و ملت شجاع فارس حاضر و منتظر اجازه عاقل مقدس است که اردوی ملی از ایلات و بوکات حرکت نماید

( انجمن ایالتی فارس و عموم ملت )

جواب اصفهان به شیراز

خدمت محترم ایالتی فارس شیداه دیبانه و عدم ملت تلاکراف غیورانه که با کمال متانت و از روی ربط مینت در این واقعه هایلله صادر شده بود زیارت عموم ملت از ملاحظه تلاکراف محترم و اطلاع بر احکامات حسنه آن برادران حقیقی در حفظ دولت و ملت اسلام و قطع شجره طلم و استبداد شاکر و با کمال مساعدت و اتحاد اهالی غیور فارس حاضریم عموماً تلاکرافات لازمه در عدم تمکین سلطنت مستبده که نکران خلف عین و سن عهد عوده بخاربه شد تمام ادارات دولتی تعطیل و تونخانه و قورخانه و غیرها در تصرف ملت با کمال اتفاق و نجات قدم بران حفظ اسلام و اساس مقدس مشروطیت جاهدیم و در مقدمات تشکیل اردوی ملی هستیم

( انجمن ولایتی و عموم ملت )

تلاکراف تبریز باصفهان

کیه به مجلس مقدس شورای ملی و ناخمنها نیز رسانند و بعموم انجمنهای محترم ایالتی و ولایتی مالک عروسه ایرانهم کیه داده شود

افعال و اعمال و سابقه اطلاعات که از شاه داریم با نابت میکند که اختلال حواس بشاه از جنون حری طارش شده و حرکات و تلوف مزاج شرر از مرضی است که غلبه در مزاج او نموده، کل بود سبزه نیز آراسته شد، چاره و علاج استخلاص بمکت و ملت هانت خلق او از سلطنت است و الا چاره دیگر منظور نیست ( انجمن ایالتی )

جواب اصفهان به تبریز

خدمت ذیشرافت انجمن محترم ایالتی دامت برکاته

ستکشافات آن دوات مقدس از اختلال حواس شاه خانق مصاب انجمن ولایتی و عموم ملت در صدد صدور حکم از حضرت آیه الله و حجج اسلام مدظلالم بر حوب خلق شاه میباشد انشاء الله بعد از صدور عموم ملت ایران اطلاع داده امیداست بهمین میبجان ملی خلق این خانق شده و از حرکات مجنونه او فارغ شویم ( انجمن ولایتی و عموم ملت )

تلاکراف از اصفهان بطهران

انجمنها عموماً در انجمن محترم ولایتی متحصن اردوی ملی تشکیل ادارات دولتی تعطیل رؤساء آنها توقیف تونخانه قورخانه ذخیره تصرف ملت قولا واحداً محمد علی میرزای خانق را با سلطنت شناخته انجمن مجاهدین خصوصاً وسائر انجمنها مکمل و مسامح حاضر در حرکت منتظر اشاره از طرف برادران طهرانی ( انجمن اصناف اصفهان )

تلاکراف همدان باصفهان

حضور مبارک اعضای محترم انجمن مقدس ولایتی این تلاکراف صادقانه را بعموم برادران اصفهانی خاصه باهل نظام ارائه فرمائید تا اطلاع آسودگی تمام ملت از مجلس مقدس ملی شیداه ارکانه رسد ما اعضای انجمن محترم نظامی همدان عموماً راحت را بر خود حرام نموده، و تمام برای انجام خدمت جاناً مالاً حاضریم برکز کل استعفا نموده ایم آن برادران وطن و همراهی خواهند فرمود ( انجمن نظامی همدان )

جواب اصفهان بهمدان

خدمت اعضای محترم انجمن نظام غیورانه همدان عموم ملت و صاحب منصبان نظامی اصفهان با آن برادران هم آواز و هم عهدیم و تا آسودگی ملت فراهم نشود ساکت و آرام نخواهیم شد جاناً و مالاً حاضریم بطهران و ایلات هم همین قسم بخاربه نمودیم عموم ملت و تمام صاحب منصبان اصفهان

تلاکراف همدان باصفهان

خدمت اعضای محترم انجمن و عموم ملت غیور اصفهان دامت توفیقانهم چرا باید از حجج اسلام و آیه الله فی الامام دامت برکاتهم سؤال نشده باشد که برقرار گذاردن همچو کسی بر سلطنت جائز است یا خلش از سلطنت بر امره ملت لازم است تا حکم

آنکه مسلمان است خلاف رویه شما را نتواند اظهار نماید (عموم ملت همدان)

جواب اصفهان به همدان

خدمت عموم ملت فیور همدان دامت تائیداتهم داعیان خفیات از اسرار حکم شرعی از حضرت آیه الله و حجج اسلامیه اصفهان دامت برکاتهم بر عدم جواز سلطنت مستبد خان عهد شکن و لزوم خلع او از سلطنت ایران نداشته - و حداً در مقام بودیم بملاحظاتی چند محرمانه از مجلس مقدس شیدائیه ارکانه اجازه خواسته که حکم بر مجلس مقدس نشده باشد انشاء الله بعد از وصول جواب حکم شرعی صادر نموده بجمع ایلات و ولایات مخبره میشود

(از طرف عموم ملت اصفهان انجمن صفائیة)

(تلگراف طوی به تبریز)

بنوسط انجمن محترم مشورت حضور مبارک آقایان اعضای محترم انجمن مقدس ایالتی دامت توفیقاتهم مستدعی اینکه امروز سه ساعت بتبریز طایفه بتلگراف خانه مبارکه تشریف آورده بعضی مطالب لزومی حضوراً عرض نمود و جنابان آقا شیخ اسماعیل آقا هشتودی و شریف زاده و آقا میرزا اسماعیل آقا و جناب آقا میرزا محمد علی خان تربیت هم تشریف بیاورند طبایطی

(تلگراف از طهران به تبریز)

بقدریکه ممکن بود مخبره شده تکلیف دارالشوری مساعده چند نفر و حمایت مشروطه اعضا هنوز در مذاکره هیجان طهران وغیره در تزلزل تلگراف از سیم کلبانی سه بتبریز طایفه رسیده چون در مجلس گرفتاری فوق العاده داریم جواب مفصل عرض ننشد شاهزاده رئیس و سایر اجزای تلگرافخانه طرف دار مشروطه اند و ملت اگر تلگرافی یا تحریری بنده تصدیق دیگران داند دارالشوری بتوسط وزرای مسؤل در مذاکره و اولتیاوم داده شده علی العجله قتل و قارت نیست علاءالدوله وغیره هنوز در ایرانند تلگراف شب شنبه رسیده عده سوار و پیاده که باید از تبریز بطهران بیاید معین نماید (مستشارالدوله)

(تلگراف از تبریز بطهران)

بنوسط حضرات وکلای فضاخ آذربایجان و عموم انجمنهای متحد دامت تائیداتهم خدمت مقدس وکلای دارالشوری کبری شیدائیه ارکانه عموم ملت آذربایجان بخوبی مانقت و متوجه اند که زندگانی با ذات بی عمر است ، حرکات شنیعه محمدعلی میرزا و اقدامات ملعونه آن فاسد تاج و تخت سلطنت باندازه تواید هیجان و شورش ملی عمده است که عود امنیت محال است اهالی آذربایجان با کمال شرافت سعادت حال و استقبال خویش را در آن می بینند که سفیدی روی را در سرخی موت طلب نمایند هیچ قسم طایفه ملت را در این عینده حنه بار نخواهد داشت صریح و بی پرده با نهایت قوت قلب با آرازی مانند که مسامح تمام ساکنین ارض را بر کند میگویم تا جان در تن داریم به سلطنت این فاسد تن در نمیدهیم همه سر در کف گرفته ماتر یک اشاره از طرف دارالشوری کبری هستیم که بلا درنگ بانه و استمداد تمام تا یک هفته در طهران حاضر شده و ریخته مخالف را از بن براندازیم منتظر جواب با نشان

(انجمن ایالتی)

(تلگراف شیراز به تبریز)

خدمت انجمن محترم آذر ایجان تلگراف مبنی بر تقض عهد برخلاف قسم محمدعلی میرزا اسید خلیلی غریب است که ملت مجید ایران باین خلافهای متواتره آشکار که هر روز ملاحظه مینماید از او را بساطت شناخته بودند ، ملت فارس که بالغ بر چهار کرور اند از آزارک و اصراب و هجوم رطایا با ملت آذربایجان همراهِ و هم عقیده اند چون اهالی آذربایجان در این گونه موارد پیش قدم بوده اند بهر طریق که دستور العمل دهند از جان و مال به هیچ وجه مضایقه ندارند ، از شما یک اشاره از ما بسر دویدن اردوی سرک از بیست هزار قشائی و حرب و سایر ایلات مستعد حرکت طهران هستند و حفظ حقوق مجلس مقدس و اساس مشروطیت را از بذل مال و جان خود داری نخواهیم داشت

(تلگراف اهالی کیلان به اهالی تبریز)

بنوسط انجمن اتحادیه برادران فیور آذربایجان



تلگراف ذیل را بطهران بخازنه نمودیم - مفاه سلطنت  
ایران محض آری تکلیف ابرایت خود اخطار  
مکتبم جنبه مروری که روز چهارشنبه دم میباشد  
دست از اقدامات خود برداشته و از دارالشوری  
تلگراف رضا بیا نرسد شما را از سلطنت خلع و رسماً  
بشم دول تلگرافی اعلان خواهند نمود

( عموم ملت گیلان )

( تلگراف قزوین به تبریز )

حضور امنای انجمن ایالتی دام اقبالهم تلگرافی  
ری متهم ساختن حضرت والا ظل السلطان نزد دول  
خازنه بخازنه کرده اند صورت با پشت به قزوین فرستاده  
و عرض میشود تا تدابیر شاه را ملتفت شود

( صورت تلگراف مذکور )

محمد علی شاه شنبه میشود برای برهم زدن  
سیاحت و حریت ایران هرزه کپه دارای ، امید  
تک دو دمان قاجاریه به شمیر مسعود قاجار  
نموده بود اگر دستگیری حضرت راست باشد  
( نه خسرو گذارم نه خسرو برست )

( مسعود قاجار )

( تلگراف تبریز به شیراز )

حضور مبارک بندگان حضرت اقدس اسعد اشرف  
رحم الله والاه شاهزاده ظل السلطان فرمانفرمای فارس  
دست شوکته الوالا

( برومند باد آن همایون درخت )

( که بر سایه اش میتوان برد رخت )

از ملاحظه سواد تلگراف ساختگی که بنام حضرت  
امیرس والا دامت شوکه الوالا اشاعت داده اند و از  
قزوین مخرب شده بود غرض دشمنان معلوم شد ملت  
با حر و مال در راه حضرت ایستاده شهادت تعالی  
هم بندگان کالبد افسرده ملت را روح تازه میبخشد  
و عموم از درگاه باری تعالی مسألت مینمایند که شمیر  
مسعود منصور باد که سعادت ملت ایران را در بردارد  
( انجمن ایالتی آذربایجان )

( تلگراف اعیان تبریز باصراء طهران )

دو روز است که بملاحظه انقطاع اخبار تلگرافی  
و حدوت وقایع منحوسه در طهران و اقدامات  
مستبده شاه نسبت باندام اساس مقدس مشروطه در

تبریز هیجان عمومی حاصل و آن بان بر شدت هیجان  
افزوده میشود عموماً تا آخرین قطره خون که در  
بدن دارد خودشانرا در حمایت مجلس شورای کبری حاضر  
نموده اند و از هیچگونه اقدام ملی و جاقشانی فروگذار  
نیستند، محض ملاحظه صلاح و سعادت حال و استقبال  
شما مینویسیم تا زود است خودتان را به مجلس مقدس  
ملتهی ساخته و تلگراف نشاندار از مجلس تحصیل نموده  
بخازنه نمایند و الا خطر عظیم در جلو دیده میشود  
( تلگراف عراق به تبریز )

خدمت اعضای محترم انجمن معظم ایالتی آذربایجان  
و سایر انجمن های ملت خواه آف خاک یاک دامت  
برکاتهم عرض میشود تلگراف غیورانه جنابانعالی و  
اصل در باب نص عهد سلطنت جوان از طرف  
دارالشوری انجمن ولایت عراق اطلاعی نداده  
بودند لهذا تلگرافاً مطالب خود را به آف ساحت  
عرض و کسب اطلاع نمودیم بعد از رسیدن جواب  
هموماً ملت عراق در احرای مساسد مشروطیت و  
عراقی با ملت حاضر و بهیچوجه کوتاهی در این امر  
مقدس نخواهیم داشت

انجمن ولایت عراق - انجمن اتحادیه طلاب عراق  
انجمن اتفاق برادران عراق - انجمن سعادت عراق -  
انجمن حقوق ملی عراق - انجمن اتحاد تجار عراق  
- جبل المتین -

جای سوختن دل انجمن است که بالغ بر پانصد هزار  
کله درین مسئله بین اهالی بلاد بخازنه تلگرافی شده  
و تا کنون ظاهر شده است که جز اهالی آذربایجان  
در وقتیکه این عبارات تلگرافی را بزبان و زبان قد  
جاری میکردند کله شان خبردار بوده است ، چه اگر  
صد یک آنچه گفته اند کرده یا من بعد بکنند بر خنک  
مراد سوار شده یا خواهند شد .

عجبا هنوز هم اهالی سایر بلاد ایران از مباحث الفظ  
خارج نشده در مقام فعالیت بر نخواهند آمد ، آیا واقعات  
طهران را کاملاً اطلاع ندارند ؟ آیا تصور نمیکند که  
فردا همین حال آنها را پیش خواهد آمد ؟ آیا چنان  
پنداشته اند که استبداد آنها را بحال خود خواهد گذارد ،  
هیات ، هیات ، بخدا قسم حال اهالی سایر بلاد بدتر  
از حال اهالی طهران و وضع ملوک با علمای شان وخیم

تر از سلوک با علمای طهران خواهد شد. حال انجمنها شدیدتر از انجمنهای بای تخت و طاقت مدیران حراشد و وعاظ و ناظرین آنها بدتر از طاقت مدیر سوراسرافیل و ملك المنکلمین خواهد گردید.

آیا این همه خونهایکه در تبریز و طهران ریخته شده و می شود و اقدامات جسورانه که برادران وطنی شما نمودند به پشت گرمی شما و این تلکرافات نبود و نیست. آیا شما اهالی سائر بلاد ایران انصاف است که باین سخنان اغراق آمیز دل خوشکن اهالی طهران و آذربایجان را سنگ روی بیخ خود کرده کنار جوی اختیار نموده راحت را برزحت به پسندید؟ روز قیامت آیا مسئول ازین خونهای بناحق ریخته آنها نخواهید بود؟ آیا این سنگ را تا روز رستاخیز بر خود خواهید پسندید؟ آیا این بی غیرتی و بی حقی و برادر کشی را بر خود هموار خواهید کرد؟ آیا تاریخ ایران را با طاعت استبداد بعد از آن حریت نامه ملوث خواهید ساخت؟ اف بر این مسلمانان! تف بر این بی غیرتی! در سکوت و اطاعت هم باشد که علی ای نموکان شما جان خواهید سپرد. چرا مانند اهل اصفهان و زمان افغان جانف به سنگ بسبارید؟ چرا مرگ احمر را درک نکنید؟ چرا شرف شهادت را نائل نشوید؟ چرا با نام نیک و طاقت حسن ازین دنیا نکذرید؟ چرا حمت نکنید و دست آفاق به برادران آذربایجانی خود ندهید که گوی شرافت را از میدان برآید و دست بالا را بگیرد. و زندگی بسعادت را درک نماید؟ مرعوب نشوید. حمت را بست نسازید که بخدا قسم در مرعوبیت زودتر مرگ بذلت شما را خواهد درک نمود که امام و پیشوای ما و شما فرموده است

( للوت اولی من رسکوب المار )

آخر کجا شد مسلمانان شما؟ چه شد اسلام پرستی و دیانت شماریتان؟ کجا رفت قدس مآبی و اطاعت از اوامر شرعستان؟ مگر مقتدایان شریعت امروز علما نمیدانند؟ مگر احکام شرع جز بتوسط علما با میرسد؟ مگر این فتاوی حجج اسلامیه نیست که بقای مشروطیت را بر ما واجب قرار داده اند؟ مگر فتاوی رؤسای روحانی ما نیست که دفاع از محاربین با امام را واجب شمرده اند؟ مگر علما فرموده اند مستبدین در حکم

محارب با امام زمانند؟

ای تی پروران تنبل، ای بی حیثان سنگ آباء، ای متقدسین دروغین بجه رو دیگر زیارت عاشورا خواهید خواند بجه زبان ( فیالیتنا کنامکم ) خواهید گفت و بکذب آرزوی شهادت خواهید نمود چه محک تجربه در پیش است.

ای جانهای ما بغدای اهالی آذربایجان باد که کردند آنچه را گفتند و بعمل آوردند آنچه را نوشتند. اسلام را حواری نمودند. احکام شریعت را بی قدر و وفر نگذاشتند. تا اینکه جماعتی مرکب احمر را درک کردند ولی سعادت ابدی حاصل نمودند و نام نیک باقی گذاردند و باز مادگانشان شرف و افتخار درین عالم زندگی خواهند کرد

چه قدر این تلکرافات اگر بوج و بی اصلی ظاهر کند مایه سنگ و مذلت و اهالی وطن عزیز خواهد بود در نزد خودی و بیگانه. نمیدانم وقتیکه جراثید اروپا این تلکرافات را ترجمه نموده درج اخبار خود نمایند در حق ما ایرانیان چه خواهند گفت؟ و هر ایرانی را که به پشت بجه نظر بآن خواهند نگریست. گویا آیه وافی هدایه در شان ایرانیان امروزی نازل شده است ( یقولون بالاسمهم مالیس فی قلوبهم )

تلکراف اهالی فارس بعد از نامه ۲۳ ج ۱  
( سائر بلاد ایران )

خدمت حجج اسلام و انجمنهای ولایتی و هموم ملت نمیدانم از حالت طهرانیها از علماء و وکلاء انجمنها خبرندارید؟ والا با آن غیرت و حبت شما خلیل تعجب است آرام گرفته باشید؟ در طهران رؤسای قوم را کشته و اسیر و وکلاء ملت را دستگیر نمودند سنگ بی غیرتی بر ما خواهند ماند. حمت کلید دواوردن لاق را متصرف گمرکات را تصرف نمایند. اجزاء ادارات هر کدام تمهد همراهی ملت را بکنند مستقل نمایند. والا دست آنها را کوتاه و از طرف خود مدیر بکارید. در صدد تهیه جهاد باشید. طایفات ادارات را صرف قشون ملی نمایند. آنی آسوده نشیلید. خدا میداند علاوه راینکه دوحار سنگ ابدی می شوم بر هیچ چیز ما ابقاه نخواهند نمود. وکلاء و علماء که الآن در مرکز گرفتار صعدمات و متعاب هستند تمام با استظهار برادران غیور ایرانی بوده. و

بزرگ و سنه های کوچک در اطراف بحیثه طلاب که  
بنای و قشنگی آن خیلی معروف است ، و عمارت  
پارلمنت هم که همان روز که مسجد را خراب کردند  
خراب شد از جمله عمارت های عالی خونی بود که  
سپهسالار مذکور بنا نموده بود

اعضای تلگراف خانه انگلیس در خطر زیاد بودند  
در وقت جنگ گلوله از اطراف آنها در آمد و شد بود  
يك نفر از اعضای بومی زخمی شد، ولی اعضای دیگر دست  
از پا خطا نکردند و با قوت قلب مشغول بکار خود بودند  
وقایع نگار شورای اسلام از طهران خبر میدهد

در جواب اتهام حجت شورای ایران به شاه  
اعلی حضرت صبح ۲۳ ج ۱ قزاق و سرماز مانوب حلو  
مهرت پارلمنت فرستاده يك افسر با بچاه قزاق به مجلس  
رفته جمعی را که باعث هیجان میگفت و به عاص پناه  
برده بودند مطالبه کرد ، و نیز گفت جمعیتی که در  
مسجد سبه سالار جمع اند متفرق شوند مجلس قبول  
کرد افسر قزاق حارا بحیثه نگهبانی بر در مجلس گذارده  
خود رفت که جواب مجلس را رئیس کل برساند قریب  
ساعت هشت ( یاسی ) از بام یکی از خانه ها افتاده دو  
سبکته و باعث خوف گردید . قزاق ها چون سرداری  
داشتند نداشتند چه باید شان کرد افسر کل چون ازین  
واقعه مطلع شد خود را به تسجیل به قزاق رساند - و  
حکم سختی بین قزاق و انجمن ها با تشنگ شد و سه  
ساعت طول کشید ، ساعت یازده ختم شد از آن بعد  
قزاق با توپ تا ساعت دو بر مردم آثار به شلیک نموده  
تا ساعت چهار معرکه ختم شد

### تلگراف طهران بطمس لندن

خبرات بی نیاد از طرف اسر فشوت شاه  
رال لیاکوف روس درباره سمارت خانه انگلیس  
خلی اشاعت یافت ، من جمله اینکه اگر پناهندگان سفارت  
را سفیر انگلستان نسایم نه نماید سفارتخانه انگلیس را با  
توپ بست خواهد نمود افسری کرنل روسی و حکمران  
مصافحه او در مواد مناقشه بین ملت و دولت ایران  
محذوفت صریح و تجاوز بین دولت روسی را در مخالفت  
با انگلیس در معاملات داخلی ایران چیزیست که انکار  
پذیر نیست

خساره عالی که باهالی طهران وارد آمده نخبینش

دشوار است مائظرة همرات برنس ظل السلطان در  
طهران خیلی اسف انگیز بود ، گویا خبر میداد از  
وقعه تاتار و دست درازهای آنان را در ایام وحشت  
فقط خساره ابن شاهزاده آنچه معین شده بالغ بر دو بیست  
هزار لیراست

جهانگیر خان مدبر صور اسرافیل را که گرفتار  
کرده و نیم جان بحضور شاه آوردند از آغاز گرفتاری  
تا وقتی که نفس را قطع نکردند بدون هیچ خوف و  
گویا باین کلمات بوده « یابنده ماد مشروطه ، بر باد باد مگر  
و خدعه » پس از قتل جسد او را قطعه قطعه نمودند  
وقایع نگار اخبار مذکور می نویسند که حالت اسرای  
این واقعه از اسرای کربلا رقت انگیز تر بود سلوک آنان  
با فرزندان پیغمبر از سلوک اینان نزدیک تر برحم و  
سروت شناخته می شد ، دبدم آقا سید عبدالله بهستانی  
و آقا سید محمد طباطبائی و آقا میرزا ابوالقاسم امام  
جمعه طهران و امام جمعه خوئی را که مشهور ترین  
علمای ایران بودند در حجه قهر سرمازان سبلاخوری در  
حالتیکه ریشم ایشان را کتند و اعضایشان را در هم  
شکسته خون از سر و رویشان جاری کشان کشان  
باردوی باغ شاه برده شاه حضورا بکلماتیکه لایق هیچ  
گوینده و شنونده نیست و ما میتوانیم آن کلمات را بیان کنیم  
بآنها دشنام میداد ، در آعمال حاجی ملک المتکلمین  
که یکی از معررین بی عدیل و واعظین بزرگ و قاضین  
مشروطیت ایران شناخته می شد با حالتیکه از بیاس  
طاحزم بحضور شاه آوردند در پیشروی علماء نیم جان  
سار اسرا حکم بطناش داد همینکه نیم جان گردید او را  
انداخته با ساطور و کتند جسدش را ریز ریز کرده  
گوشت و استخوانش را بخورد سکما داد

تلگرافیکه از بران رسیده ظاهر میدارد که سفیر  
ایران اظهار داشته که مشاورین روسی شاه را باین سوء  
حرکت و شامت طاقبت دعوت نمودند

تلگرافیکه ماخبار مذکور از بران رسیده ظاهر  
میدارد که حرکات شاه داعی بیک عداوت و نفرت قای  
ملت و یاس گردیده حتی این نکته در خواص شاه هم  
سرایت کرده ازینرو مشروطه خواهان و حریت طلبان  
ساعی در طلع شاه و سپردن امر سلطنت بشاهزاده  
ظل السلطانند ولی روس و انگلیس رضا نداده وسخت

معارضه کرده اند

تلگرافیکه ۲۸ ج ۱ به اخبار (مان) پاریس از طهران رسیده ازین قرار است. انکار نمیتوان کرد که دست روسیان در انقلابات ایران شامل بوده است، و جنرل لیاکوف مشاق قزاقان ایرانی گویا باین اسم از روسیه آمده بود و در باطن برای این جنگ مأمور بوده است. جنرل لیاکوف مستعد بود که بر سفارت خانه انگلیس در طهران توطئه بنهد، و درین مسئله خیلی هتک احترام دولت انگلیس فراهم آمد، و نفوذ انگلیسان را در ایران با خاک یکسان کرد و رسوخ روس تنها فرطظرفهای تمام ایران شد. و بافتق جمیع سیاسيون معاهده روس و انگلیس درباره ایران هیچگونه مثر فوری نگردید، و در حقیقت اقدامات سرکرده روسی درین انقلاب مواد آن معاهده را باطل ساخت

جراندآلمانی با کتابة ابانغ من التصريح ميگویند حکمت عملی آلمان این است که ملك اسلامیه و خود بخاری آنها برقرار ماند تا وقتی که خلل باین نکته نرسد و رعایای ما محفوظ باشند دولت آلمان از دور تماشا خواهد کرد و بی طرف محض خواهد بود آلمان تمام حرکات خارجه و وحشیانه شاه را از مشاورین روسی میداد

تلگرافات حاکی اند که شاه کابینه تازه برای ترتیب دستورالعمل انتخاب تاوی پارلمان قائم نموده، در آن کابینه جنرل لیاکوف و امیر پادر هم شامل اند، سردار قشون اردوی شاه امیر بهادر مقرر گردیده، اول وائی که ازین کابینه صادر شده این است تا جایی که ممکن شود قطع مخاربات تلگرافی ولایات و جلوگیری از خطوط و اخبارات نمایند، تا مردم را از يك دیگر بی خبر گذارند، و حمایت نمایند از دولت خواهان هرولایت و از اجسبات موحده از قبیل قتل و غارت مردم را در بیم و هراس اندازند، تا وجه پادشاه که از قلوب عامه سخراج شده کاملاً دو باره جای گیر شود، و نیز برای اتل و اسر بعضی از بزرگان که دارای نفوذ کله اند در هر شهر حکم مخفیانه فرستاده اند و نیز حکم داده اند که برای سرپریت عالی دولت باید با کمال بخشونت و سختی با اهالی رفتار کنند

از رجال بزرگی که علم مشروطه خواهی را در تبریز بدوش کشیده یکی رشیدالملک است، که قبل ازین حکمران اردبیل و مشکین بوده و دارایی ایل و اجه و طائفه بسیار بزرگ است و مشروطین تبریز و آذربایجان را همراهی وی قوتی بسزا بخشیده، در هر میدان پیش قدم بوده، و رشادتی کامل بروز داده است. چنانچه در جنگ ۲۸ ج ۱ عیلتع و نصرت مشروطین در کف او

بوده است، همین قسم اند سایر اعیان و امراء تبریز مگر قبلی که در راه مشروطیت خیلی فداکاری نموده اند، اگر غایب مشروطین در تبریز دوا می حاصل نماید دیری نخواهد گذشت جمیع آذربایجان را کله واحد نموده و قوت شاه را درهم خواهند شکست، همینکه اهالی آذربایجان قوت گرفتند اهالی سایر صوبجات را هم بیشتر بهیجان خواهند آورد

وقایع ننگار اخبار مذکور از آن بعد از طهران می نویسد که انقلاب ایران و ناراضی از شاه عمومیت دارد، و جمیع اهالی بلاد در يك حال بهیوتی موقتاً سکوت همیتی دارند، شاه این سکوت آن را از سرعوبیت اهالی می داد، ولی عقیده ما این سکوت از آن واقعه فحیه غیر مترقبه طهران است که هرگز بتصور نمی آوردند. و این سکوت چند روز بیش دوام ندارد، و همینکه مات بحال خود بازگشت کرد دست انتقام از آستین بیرون خواهد کشید، علت اینکه در سایر بلاد جنگ کتر شده بیشتر بواسطه غایب مشروطین بر مستبدین است، و اگر مانند تبریز در سایر بلاد هم مستبدین زیاد بودند، یقیناً در هر نقطه جنگ در میگرفت، غالب بلاد ادارات دولتی را تمام در قبضه خود دارند، و عیناً ارادای مالیات سرباز خواهند زد، و شاه آفدورت را ندارد که شواهد بقوه جبریه مالیات از رعایا وصول کند

وقایع ننگار روزنامه (وبلز) وقایع طهران را در روز ۲۳ ج ۱ چنین اطلاع میدهد بعد از حمله بر پارلمان، و قتل و غارت حریت خواهان، شاه حکم بخراب کردن مسجدی که منصل به عمارت پارلمان است و میرزا حسین خان صدر اعظم ناصرالدین شاه چهل سال قبل ساخته بود صادر نمود، توب بر مسجد بسته و کتیبه های بسیار قشنگ او که آیات قرآن متوش بود همه را فرو ریختند، و اسباب طلاب و پارلمان را غارت کردند، آنچه تاکنون معلوم شده نصد نفر از حریت طلبان بقتل رسیده مجروحینشان از حد احصاء بیرون است، من جمله آنها جماعتی بودند که اسب خود را بمحمد (س) می رسانند، و مسالمات هموا آنها را محترم میدارند، هیچکس نفر از اعصای یا ملانرا شاه بقتل رسانید، و شش نفر هم در جنگ مغلوبه بقتل رسیدند علایم خیلی معروفی که در مجلس بودند و گرفتار شدند چهار نفر بودند سید عبدالله، سید محمد، میرزا ابوالقاسم، امام جمعه طهران که خواهر شاه در خانه اوست، و امام جمعه خلوقی آنها را بصورتی وارد بان شاه نمودند که هرکس مبدید بر حالشان رقت می نمود، سر و صورتشان خون آلوده، دست و پایشان مجروح با سرفنگ آنها را در بازار میدوایند و تف روی شان می انداختند و



دشنامی رشت که ما از نگارش آن معدومیم آنها میدادند، همین که محضورشان آوردند شاه بنای فدائی را نهاده بکنند ریش آنها حکم داد، شنیده می شود پس از چوب زدن آنها **لک التکلین** و **سهاگیر** خان و همده نفر اراغی یارمان را حکم بقتل داد، و آنها را قطعه قطعه نمود. گوشتهایشان را بخورد سگها داد

وقایع نگار (فکر) از طهران می نویسد بعد از آنکه علمای حریت طلب را در باغ محصور شاه آوردند حکم بکنند ریش آنها داد، و آن قرآنی که بخط خود بعد از وقعه دسمبر گذشته شرایط صلح را نوشته و یارمان فرستاده محفوظ بود و در وزارت یارمان بدست آورده باو سپرده بودند در حضور علما پاره کرده و آتش زد یکی از علما ازین حرکت معلوم شد چه کلامی گفت که بر غضبش افزوده حکم مجرب زدن آنها کرد، و بدست خود هم یک چوب به سید عبدالله حوله نمود افواه است علمای را که گرفتار نموده بودند از بس در حضور شاه زجر و اذیت کرده و ناسزا گفتند خودشان استعدای قتل خویشرا کردند، شاه جواب داد که قشقی قاب من فقط بکشتن شما می شود، یقین بدانید که از دست من جان سلامت نخواهید برد، ولی شما را بمسی زجر کش خواهم نمود که عبرت بزرگتر از شما درین گونه اقدامات بشود (معرض علمای نجف است)

روزنامه (هرل) مد از آنیکه واقعه ۲۳ ج ۹ را از روزنامه طمس نقل میکند در ذیل آن رأی خود را چنین می نویسد

محمد علی شاه در تاریخ سلاطین عالم جدت نموده است، از پادشاهان سفاک خون آشام تواریخ خیلی حکایتها می نمایند، ولی در حالات هیچ یک نوشته نشده که پس از اینکه دشمن خود غلبه کردند و بقتل رسانیدند با حسد او این قسم سلوک نمایند که محمدعلیشاه با دشمنان خود و خایرخواهان مملکت نموده، و این واقعه بکده بشارتیک بر تواریخ جمیع سلاطین عالم گذارد، گمان می رود از طبقات اسف احدی هم در حرکات وحشیانه شاه شود، عیدتم با این حرکات حیوانانه از هم شاه امید ناید سایر سلاطین را برای سلطنت خود دارد

### ترجمه از اخبار جنس هری

اخبار (جنس هری) موجب تاثرات طهران خبر میدهند که شاه خانه علاءالدوله را با امر مخصوص خراب کرد، در طهران لدوله هفت درختیکه خانه او را خراب کردند چون بی احترامی از قزق دید برخویش ترسیده قتل خود بردت نمود، پسر او را مغلولاً نزد شاه بردند. ایب اول مجلس شوری (امین القرب) به وزارت

ایتالی پناهنده شد، سفارت آلمان پناهنده گان را قبول نمود، حاجی میرزا محسن خان امین لدوله را شاه در هیئت وکلای اعیان قبل از وقعه گرفتار نموده بود خانه او را نیز باتوب بست و وزارت نمود زن امین لدوله که دختر مظفرالدین شاه و خواهر شاه حالی است و اولادان او را با حالت بسیار سحق گذارند، تمام اثاث الیت او را قارت نمودند، همین قسم مشیرالسلطان که جزء هیئت وکلا محبس شاه بود خانه اش را قارت کردند

اداره و مطبعه جبل المتین و سایر ادارات جرائد را خراب و یغما نمودند خانه مدیر جبل المتین را نیز یغما و خراب کردند دو مجتهد بزرگ طهران سید محمد و سید عبدالله را با سی هزار عالم و اعیان دیگر مغلولاً بکلات فرستادند، هفده نفر از وکلای مجلس را شاه بقتل رسانید، و حکم بقطعه قطعه کردن آنها داد

قزاقان بر زن و مرد فقیر و غنی بی طرف و با طرف رحم نمی نمایند، شاه بافسر روسی خود حکم نموده که باشدت و سختی تمام با اهالی طهران سلوک نماید و اسلحه از آنها بگیرد، و هرکس بلا استقنا اطاعت امر او را نکند بقتل رساند، ازین حکم بی حد نفوس بیگناهان بقتل رسانیدند، غالب وکلا دستگیر و محبس اند و بانغ بر چند هزار نفوس را گرفته و محبس نموده اند مجدالدوله حکم طهران و امین لدوله حاکم تبریز مقرر شد

صایع لدوله با چند نفر از وکلای شوروا و جماعتی از روحانین با اهل و عیال در سفارتخانه ایتالی پناه گرفته اند

از جمله خانه سکه شوب استند یکی خانه مرحوم میرزا نصرالله خان مشیر لدوله بود

اقبال لدوله کاشی را شاه حکومت اصفهان و شاهزاده نیرالدوله را حکومت خراسان و آصف لدوله شاه بون را حکومت شیراز داده است

مخبر الساطنه والی آذربایجان در انقلاب اول تبریز پناهنده بقوسلمحانه روس شده از قفقاز بحجاب اروپا فرار نمود

حاجی میرزا کریم امام جمعه و میر هاشم که از هوا داران شاه بودند و سال گذشته هم بین اهالی تبریز جنگ انداخته و صدها را مقتول ساخت و خود را در لباس اهل علم جلوه میداد درین میدانم بهوا داریم استبداد برخاسته خونها ریختند طاقت امام جمعه بقتل رسید و میر هاشم زخم منکری خورد. از پای درآمد

شاه عداوت تامی به تمام یاققان جدید پیدا کرده هر کدام در سر هر کار بوده خلع میکند و غیر تعام

یافتگان را روی کار می آورد

نابندگان روس و انگلیس شاهزاده ظل السلطان را متنبه کرده اند که دست از پا خطا نکنند، و برخلاف شاه هیچگونه اقدامی نه نماید (اگر این خبر مترون بصواب باشد واقع دولتمن مذهب بی طرفی در امور داخله ایران اختیار نموده اند)

ظل السلطان بطهران طلب شده افواه است که شاه تدارک دیده که نرسیده بطهران او را گرفتار نماید میرزا سلیمان خان که یکی از مشروطیین محترم بود باشد عقوبات شاه بقتل رسانید، و نوق الدوله که یکی از وکلای محترم است گرفتار شکنجه شاه گردیده، قاضی ازراقی قزوینی که یکی از دانایان وقت و رئیس مشروطه خواهان بود نیز بحکم شاه در محبس بقتل رسانیده

روزنامه (فرلان) سوید از وقایع نگار طهران می نویسد، اقدامات دربار ایران درین و نیمه فوق علم و جرئت آنهاست، ازین رو باید تسامح نمود که تعالیم خارجی بآنها رسیده و میرسد، مایه بدیم خبرهاییکه مخبر روتر یا تلگرافات فوق العاده که با آمریکا از طهران مرستاده می شود یا تلگرافات مخصوصی که با اخبارات از جانب وقایع نگاران خودشان میرسد خیلی منافی است، مثلاً تلگراف روتر ظاهر نموده که متصادف در وقته ۲۳ جون طهران بقتل رسیده، و حال آنکه از دویم تحقیق منتولین و مجروحین آن روز بالغ بر دو هزار و نهصد بوده، تلگرافاتی که از طهران باخبارات آمریکا میرسد چنان استشمام میشود که مات ایران مستوجب و شاه مجبور براین گونه اقدامات بوده، و حال آنکه حرکات خدادانه شاه از آغاز جلوس به تخت طشت از بام افتاده بوده است، همین قدر باید فهمید اایان نوع خواه در این واقعه بدربار ایران فهایند که بول معجزات عجیب دارد یعنی بدام ترین خلق را میتوان خوش نام نماید

عجب تر اینکه (سائور) بر تلگرافات غیر رسمی خارجه و داخله از جمله اموری بود که بخاطر ایرانیان خطور نمی نمود، و تقشیش خطوط و جلوگیری از اخبارات باین درجه نیست مگر از ته ایات خارجه و بهمان تأییدات خارجی هم این نکات مجری شد، و خارجیان هم قبول نمودند و این مراتب بدون همراهی روس برای شاه غیر ممکن بود، بعد از غایب شاه بر طهران اعلان بی طرفی دولتمن بی منزه نبوده است، اگر این اعلان را قبل از وقت داده بودند و مرموبیت تصرف اجاب از اهالی طهران خارج شده بود هرگز اینگونه غایب برای شاه روی نمیداد، بعد از اعلان بی طرفی هم تصرفات چند نمودند که مؤید شاه و ماتها درجه خلاف دیات بود، من جمله

خود را میان ادا کنند که بهراز آنهمه خونریزی بین مات و شاه صالح دهند، این اقدامات که در طهران شد برای دفع هیجان سایر بلاد بود، و علانیه برنس ظل السلطان از همراهی مات باز داشتند و حال آنکه آنها یکی از اعضای این مات بود و در تبریز قوسل روس صراحتاً تأیید از رحیم خان نمود و سنگ اصلاح بسینه میزند که ملت برخلاف او پروتست نمود همین حرکات سیاسی روس و انگلیس است که می بینیم ملت ایران کم کم راغب بدوستی آلمان خواهند شد و عمارت قریب به تأییدات پلنکی برلن خسارات عظیمه بمنافع دولتمن در ایران وارد خواهد آمد، فعلاً اهالی آذربایجان و گیلان در زد و خورد با دولت اند ار سایر ولایات خبری نمیرسد و عمارت قریب ملوک طواغی در ایران شروع خواهند شد

### تلگرافات روتر راجع بایران

§ سیزدهم ج ۲ تلگرافی از طهران بروز نامه (دیلی میل) رسیده که رحیم خان در تبریز از طرف دولت بر مراکز متصرفه مشروطیین حمله نموده با توب مستحکات آنها را بست می نماید کوشش قوسل روس در مصالحت بی ثمر و نتیجه ماند

§ ۱۵ ج ۲ تلگرافی بروزنامه (نویورمیا) از تبریز به پترزبرگ رسیده که مشروطیین اعلانی بدر و دیوار های شهر و دروازه قوا سلطانه روس چسبانده در آن اعلان بیان شده است که قوسل روس من غیر حق در امور داخله ما تصرف می نماید و حال آنکه برای تصرفات غیر مشروع او هیچگونه دایه پیش نیامده و تهدید کرده اند قوسل روس را حاکم من بعد اگر ازین حرکات باز نماید ذمه دار انقلاب بسیار عظیمی خواهد بود

§ بر حسب تلگرافاتی که ۱۵ ج ۲ از تبریز به پترزبرگ رسیده تاکنون شلیک توب از طرف قشون بر مراکز و مستحکات مشروطیین جاری است مشروطیین با ماتها بی سخری استاده و با کمال شدت با شلیک تفنگ جواب خصم را میدهند

§ بموجب تلگرافاتی که از تبریز به پترزبرگ رسیده هنوز بر مراکز مشروطیین از طرف قشون شلیک توب علی السوالی جاری است مشروطیین زنان و بچه گان خود را در جای محفوظی برده اند

§ مخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که نابندگان دولتمن روس و انگلیس از تعقیب با بهالی در خصوص تجاوزات قشون او سرحدات ایران باز نیامده اند، اجوبه با بهالی تمام بی پایه و مایه سرگردانی است

§ (مستر جی اچ بوکله کل) که در اسلامبول بود بسیده سفارت دولت انگلیس در طهران منتخب

شده است (مردی با تجربه و کار آزموده وداناست)  
 § پناهندگان سفارت انگلیس باین ضایعات وها گردیده اند  
 که از طرف شاه معاف باشند، جز چند نفر که بجای  
 وطن اختیار نمایند

§ در مجلس شورای ملی انگلستان سرادورد گری  
 وزیر خارجه انگلیس بجواب استفسار ستر لئنج که یکی  
 از اعضای شورا است اظهار داشت من بذریعه تلگراف  
 مخبره از حالات طهران می نمایم، من تا کنون براسی  
 امور آینده ایران رأی قائم نموده ام، و نه ضرورت  
 می بینم که بالفعل درباره شاه و اراکین او رأی ظاهر  
 شود، تا وقتی که تمام وکال رویداد و بین آمدن حالت  
 آنها یابرسد

§ بر حسب تلگرافیکه از تبریز هفدهم جمادی الثانیه  
 به پترزبرگ رسیده چندین هزار نفوس طامه از موعظه  
 یکی از علمای اعلام مجوش و خروش آمده برش بجانب  
 (باغ جمن) که اردوگاه رحیم خان بود آورده تا  
 رحیم خان و قشون او را خارج نمایند، سواران رحیم  
 خان بدون هیچگونه مقابله فرار را برقرار اختیار نموده  
 مجددا شهر کامل به تصرف مشروطین درآمد

§ ۲۱ ج ۲ - از تبریز بوقایع نکار طمس تلگرافاً  
 خبر رسیده که سربازان وافواجی را که شاه از طهران  
 برای قلع و قمع مشروطین به تبریز فرستاده بود پس  
 از ورود به تبریز اسلحه و لباس سربازی را گذارده  
 غیب شده اند

§ شبیه بربروز رؤسای مشروطین تمام جمع شده  
 مشوره نموده فیصل کرده اند که ادارات دولت را قبضه  
 نموده علماء سوء و مستبدین صاحب نفوذ را از شهر  
 بدر نمایند

§ غارت و جنگ در کوجه ها و قتل در محلات  
 ادارات دولتی جاری است

§ بموجب تلگرافیکه ۲۳ ج ۲ از تبریز به پترزبرگ  
 رسیده بوم دو شبیه پست و یکم جمادی الثانیه جنگ  
 بسیار سختی در تبریز واقع شده تخمیناً دوپست نفر  
 مقتول و مجروح گردیده است

§ مخبر روز ۲۴ ج ۲ از طهران خبر میدهد که  
 مشیرالسلطنه رسماً کابینه جدید وزرا را تشکیل داده،  
 و امیر بهادر وزیر جنگ مقرر گردیده است

— تلگراف مخصوص اداره —

(از بادکوبه ۲۶ ج ۲)

طهران منشوش، راه ها نا امن، علماء در کفر

شاه متفق، ملت در خلع وی یکزمان، شاه بلجاست  
 باقی، آذربایجانها غالب، گویا بیوق جمهوریت برافرازند  
 اخبارات مسدود، تلگرافات پلتیکی ممنوع، هیچ نقطه  
 فرمان شاه جاری نیست، طالبات لا وصول، گمرکات  
 بی قائده، قشون گرسنه و نافرمان، سایر بلاد هم  
 منقلب، اسباب قحط میها، تاجر بی کار، ایلات سر  
 خود، اسباب ملوک طواغی جمع، طبایع رافغ  
 بجمهوریت، خارجه بکشیدن نقشه های پلتیکی مشغول،  
 از هر طرف آتش فتنه را دامن میزنند، مصارف  
 دولتی زمین، بنگها جواهر هم برهن میگیرند، همه  
 روزه بر یاس شاه وضعف او می افزاید، منتظر بلوای  
 نازده طهران و خونریزی جدید باشید

بموجب تلگراف ۲۵ ج ۲ از طهران شاه به  
 نصر السلطنه حکم نموده که با سه هزار قشون و شش  
 هزاره توپ برش بجانب تبریز آورد  
 بتازگی در اردوی شاه دو نفر دیگر از رؤسای  
 مشروطین را طناب انداخته اند

### حبل اللین

نتیجه که ازین تلگرافات و سایر اخبارات ظاهر  
 می شود چند امر است (۱) غلبه مشروطین آذربایجان  
 و تصرف در عمل حکومت آنها و تدارک قشون ملی  
 (۲) اتفاق بلاد در طلع شاه و انقلاب عمومی (۳)  
 لجاجت شاه با ملت و با طبقات قاعده درباریان  
 (۴) ضعف سلطنت مستبده را بملت قبولاد (۴) بروی کار  
 آوردن جمیع مستبدین و بکار داشتن مطرودین و  
 مقصرین مجلس و مخالفت تامه با جمیع مشروطین اهم از  
 علماء و شاهزادگان و وزرا و امرا و سایر صوف ملت  
 (۵) رواج بازار قتل و غارت در جمیع ایران و عدم  
 امنیت در کلیه بلاد و این هنوز از نتایج سحر است  
 عجب تر از همه با این روش شاه میخواهد پارلمنت  
 مشروعه هم قائم نماید و خویشتن را مالک رقاب و مروج  
 شرع بشناساند، و حال آنکه این خیال است و محال  
 است و جلون بعد از این همه تجربه اهالی ایران دقا  
 و فریب نخواهند خورد و آرام نخواهند گرفت شاه نامه  
 آخرش خوش است یا باید مانند نابلیوف مجد در  
 استبداد شد که با سر برود با کلاه بیاید و با لجاجت و  
 کنار گذارده سر تسلیم مشروطیت خم نمود

حبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

وکلا ذمہ دار ابوجات مشترکین اند

( بدل ابوتہ الحبار پشکی گرفته میشود )

قیمت اشتراک

سالانہ - - شش ماہہ

Hablul Matin Office  
4, Medical College St.  
CALCUTTA.

نامہ مقدسہ

# المتین

کلیہ امور ادارہ با

مدیر کل مؤیدالاسلام است

ہر دوشنبہ طبع

و سه شنبہ توزیع میشود

یوم دوشنبہ

رجب المرجب ۱۳۲۶ ہجری

سنہ ۱۳۱۱

۱۲ روپیہ - - ۷ روپیہ

ایران و افغانستان

۲۰ قران - - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

## قراری تازہ طہران

تلگراف روتر از لندن سوم آگست

اقبال مشروطیت عثمانی بی قراری عظیمی در اہالی طہران پیدا نموده خوف انقلاب جدید در پیش است زاید بر صد فرکہ غائب از طبقہ تجار بودہ اند در سفارت کبری عثمانی پناہندہ شدہ طلب انعقاد پارلمان را فوراً می نمایند

## استقلال سلطنت علیہ عثمانیہ

در سایہ مشروطیت

( یا ترقی اسلام و اسلامیان عموماً )

بزرگترین انقلاباتی کہ درین قرن واقع شدہ، و اثرات بسیار عمده بر عوالم سیاست اداختہ، ہما مشروطیت سلطنت علیہ عثمانیہ است کہ بزرگترین و مقتدرترین سلطنتہای اسلامی روی زمین می باشد

صریحاً از مشروطہ شدن ایران غالب سیاسیون را عقیدہ این بود کہ اثرات مشروطیت این سلطنت اسلامی بزودی بر جمیع ممالک آسیا خاصہ بر عثمانی بخشیدہ خواهد شد، و علت عدم میل سلطان را بر مشروطیت سلطنت ایران و مراسلہ شخصی مرحوم مظفرالدین شاہ را در آغاز امر جز این نکتہ نمیدانستند، و الحق مشروطیت ایران خیلی بر جوانان فیور ترک مشروطہ خواہ اثر بخشید، و از مخبرات تلگرافیدان و مجلس شورای ملی و انجمن اہل حق تبریز وغیرہ، و از آنجہ در اخبارات مخصوصہ خود در این موضوع نگاشتند بخوبی معلوم توان کرد کہ مشروطہ ایران اثرات عظیمہ بر قلوب مشروطہ خواہان ترک و قفقاز و مصر و ہند اداخت، ظاہر است پنہا ہمہ دست یکی شدہ این بلا را بر سر ابرائیم وارد آورد،

ولی عماد ( و فوق تدبیرہ تقدیر ) اثرات طبعیہ و مواد کونیہ کہ بچہ قدرت در آسیا فراہم کردہ مفتاح طلسم جمیع انحرافات گردیدہ است، ایران کہ مشروطہ بودہ و خواہد بود، بلکہ بعد از این ہمہ خونریزی یک بر صد ریشہ مشروطیت در خاک پاک ایران محکم تر خواہد گردید خصوصاً حالا کہ مقتدرترین سلطنت اسلامی مشروطہ شدہ، و سلطان عظیم الشان اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان در حضور شیخ الاسلام قرآن گرفته و مشروطیت سلطنت قسم یاد نمودہ است، مقام منبع اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان با آن خلافت عظمی در مسلمانان بالاتر از آن است کہ مانند محمد علی شہا جوان بی تربیت بی تجربہ مصر و مغل الحواسی مختلف از مخالف قرآن مجید فرماید، چہ اگر چنین شود حلال بر مقام منبع خلافت عظمی او میرسد، گذشتہ بر این شخص سلطان در قطار اولین رجال سیاست عالم بہتہار است، و نیکو دانستہ کہ اقتضای زمان و بقای سلطنت مقتصد سالہ این خاندان ملوط مشروطیت سلطنت است، و سلطنت حقہ اسلامی و خلافت عظمی سلطان در سایہ مشروطیت لباس حقانیت پوشیدہ یک بر صد قوت حاصل خواہد نمود

امروز میتوان بہ بقای این سلطنت اسلامی وقوت و استقلال آتیہ او امیدوار گردید، ازین بعد میتوان گفت کہ دول اروپا مقتدر بہ فشار دولت عثمانی اشدہ، نخواہند توانست کہ ممالک او را قطعہ قطعہ از وی مجزی دارند، بلکہ باید منتظر آن بود کہ دولت عثمانی در سایہ مشروطیت بزودی قوتی حاصل نماید کہ با حقہ های خود را دوبارہ بہرد، از اثرات مشروطیت سلطنت عثمانی دبری نخواہد گذشت کہ در مصر ہم پارلمان قائم خواہد گردید و امیر فرخند افغانستان نیز برابری ترقیات ملکی و اقطاعات



حکومتی و اصلاحات ممالکی مسای بارمانی بعمل آورده  
 حکماتی تحت قانون قائم خواهد نمود، آن وقت ظاهر  
 است که اثرات مشروطیت بر هند و قفقاز و ترکستان تا  
 چه پناه خواهد افتاد، بعقیده ما جلوگیری از امور طبیعی  
 ماحتمالاً ما گز چودن، و آفتاب را با گل اندودن است  
 اخبارات اروپا شخص شخص سلطنت اولین مستبد  
 و مخالف مشروطیت می نگاشتند ازین رو خبر اعلان  
 مشروطیت از جانب سلطان نعمت غیر مترقبه می نمود  
 ملی مسالمانت سلطان را از اولین مشروطه خواه و  
 خواستگار سلطنت شوروی میدانستند، نهایت آنکه  
 عراقی های سلطان حرکات مخالفانه خود را غالباً باسم  
 سلطان حلوه داده و این ذات والا را در انظار جمیع  
 متمدنین مدام میباشند

هم مشروطیت را در خاک عثمانی مرحوم مدحت  
 پشای صدر عظم - بقی باشند، که درخت اورا غرس  
 کرد، می و یک سال قبل در اسلامبول پارلمان مفتوح  
 نمود، گرچه زاید بر چند ماه نباشد ولی اثرات حریت  
 و آزادی را در لوب خواص جای داد، و مشروطیت  
 عثمانی که معروف به (یک نای) یعنی (جوانان ترك)  
 بودند درین مدت مدید خدمت ها نمودند، سرزادی ها  
 کردند، از مال و جان و اهل و عیال گذشتند، ترك دار  
 و دیار گفتند، در ممالک آزاد منتشر شده با کمال  
 قوت قاف در حاط مشروطیت کار کردند، چه شاهزاده گان  
 بزرگ که اسم مشروطه خواهی بقتل نرسیدند، چه  
 جوانان رشید که درین راه از پای دریامدند، بقول  
 حریده مشروطیت عثمانی که در امریکا اشاعت می شود،  
 و مشروطیت ایران را درین ثلثه عظیم تسلیم می گوید،  
 جنان می نویسد که با اول جولائی (۱۹۰۸) چهل  
 هفت هزار ونهصد نفر باسم و رسم جوانان مشروطه  
 خواه ترك فدیة طریق مشروطیت شده اند، ولی چه توان  
 (دکه حریت محبوبه است که با این همه خسارات مالی و  
 جان و جانان بختش ز دل بیرون رود، و مشروطیت  
 درختی است که هر قدر از شاخ و برگش رده شود  
 ریشه اش خاکمزد و بال و پرش افزون تر میگردد، تا رفته  
 رفته عالم را زیر سایه عدالت و مساوت پرورش بخشد،  
 ایرانیان عموماً و جوانان غیور و برادران آذربایجانی  
 ما باید بدانند که مشروطیت عثمانی کمر مستبدین ایرانی را  
 برهم شکست، و برگشت قشون از حکام مستبد، خلی  
 و قوت معنویان افزود، حرکات قشون عثمانی سر مشق  
 خواهد گردید که قشون ایران تابع فرمان شما شود،  
 چنانچه معنی حرکات حریت خواهانه شما ملت های  
 قوت قان را مشروطیت عثمانی بخشید مشروطیت عثمانی هم  
 خلی شما قوت داد، خوب بود ایرانیان سر مشق از

مشروطیت عثمانی گرفته بودند، تا دو چار این ناملاجات  
 نمی شدند، هرگاه جوانان ترکی قشون را بجانب  
 خود مائل نمیکردند هرگز بدین سهولت شاهد مقصود  
 را در بر نمی کشیدند، اینک نیز راه چاره جز این  
 نیست که برای قوت مشروطیت ایران و استحکام آن  
 مشروطیت ایران هم قشون را بجانب خود مائل نمایند و هم  
 تشکیل قشون ملی دهند، افسوس که نگارشات ما درین  
 موضوع ادا بخرج و کلان رفت، اینک معلوم گردید که قشون  
 ملی برای چه روزی بکار می آمد، سیاه پین تمام این  
 پیش آمد هارا در باره ایران مبدیدید و مینوشانند و میگفتند  
 امروز ممالکت مشروطه عثمانی برای پیشرفت مقاصد  
 مشروطیت ایران بهترین مراکز است، امروز عراق عرب  
 برای مشروطه خواهان ایران مصداق اجر دنیا و آخرت  
 واقع گردیده، امروز موقع آن رسیده که مشروطیت ایران  
 در عراق عرب بدون خوف و هراس هرگونه قدایی که  
 مفید بحال ممالکت خود دانند نمایند، امروز موقع آن  
 رسیده که مستبدین بی دیانت عراقی که همه این خونهای  
 بیاحق ریخته شده بگردن آنهاست از حجلت بپزند و  
 سر بالا نکنند، و دیگر بدهان اهراب جاهل بی تربیت  
 نگذارند (مشروطه مضروطه) بگویند، مشروطیت ایران  
 باید بداند که دست حق با آنهاست و مدد غیبی عبارت  
 از همین قوت غیر مترقبه میباشد که بآنها رسیده یعنی  
 مشروطه بدن سلطنت عثمانی درین وقت و موقع اهم  
 امیدواریم این دولت و دولت اسلام پس از استحکام  
 مشروطیت کامله خود دست اتحاد بیکدیگر داده  
 مسالمانت عالم را ازین ذلت و خواری نجات بخشند،  
 و ادران مشروطه خواه عثمانی ما خلی باید  
 هانت باشند که دستهایک آن فاجعه بسیطره را برای  
 مشروطیت ایران پیش آورد مانند آزاد عثمانی پیش نیارند،  
 چه مشروطیت ایران و عثمانی انقلاب عظیم در سیاست آسیا  
 می اوکند و این نکته را متمدنین مضر منافع آئینه خود  
 در آسیا می بیندارند، ما را بدانش و عظمت شان و سیاست  
 و دیانت پروری شخص شخص اعلی حضرت سلطان  
 امیدواری کامل است که چنین حادثات میشود که در  
 ایران پیش آمده نگذارند در عثمانی پیش بیاید  
 ما اصالتاً از جانب خود و نیابتاً از طرف ملت  
 مشروطه خواه ایران ازین بخشش مشروع و عنایت  
 خسروا به پیش گاه اقدس اعلی حضرت سلطان عرض  
 و اظهار تشکر مینمایم و برادران مشروطه خواه عثمانی  
 و جوانان غیور ترك را به نیل منصوریت کامله تبریکه  
 و نهایت بیکوایم  
 چگونه حالات و احوال مشروطیت سلطنت عثمانی  
 از تاگرافات (روتز) که ذیلاً مینگاریم بخوبی معلوم تواند شد